آ

آب	Water
آب آلوده	Polluted water
آب بند	Dam; Floodgate
آب پشت	Sperm
آب خشکی	Amphibious
آب زیرزمینی	Groundwater
آب کم عمق	Shallow water
آب مسموم (آب آلوده به سم)	Poison-contaminated water
آب موازنه تمیز	Clean ballast
آب نگاری	Hydrography
آب و تاب و تعریف هایی که معمولاً در معاملات صورت می‌گیرد	Puff
آب‌های بی‌طرف	Neutral waters
آب‌های داخلی	Internal waters
آب‌های دریای آزاد	Waters of the high seas
آب‌های ساحلی	Territorial waters
آب‌های سرزمینی	Territorial waters
آب های فلات قاره	Waters superjacent to the continental shelf
آب‌های فوق متصل	Superjacent waters
آب‌های فوقانی	Superjacent waters
آب‌های مجمع الجزایری	Archipelagic waters
آب‌های محصور در خشکی	Land-locked waters
آب‌های محیط شده	Enclosed waters
آب‌های واقع در سمت خشکی خط مبدأ	Waters on the landward side of the baseline
آب‌هایی که بخشی از قلمرو را تشکیل می‌دهند	Waters forming part of the territory
آباء	Male Agnate Ascendants
آباد	Habitable; Inhabited
آبادانی	Prosperity
آبراه	Waterway
آبراهه	Under ground channel
آبرو	Credit; Honor; Prestige; Reputation
آبرو ریزی کردن	Discredit one; Defame; Disgrace
آبرو یافتن	Gain prestige; Gain respect
آبرومندانه	Respectable; Respectably
آبریز	Watershed
آبستن	Expectant; Pregnant
آبستن بودن	Be pregnant; Expect a baby
آبستن شدن	Become pregnant; Conceive
آبستن کردن	Impregnate; Make pregnant
آبستنی	Conception: Pregnancy
آبق (فراری)	Escaped; Stray
آبی خاکی	Amphibious
آپارتمانهای متعلق به شهرداری	Council flat
آپارتید (سیاست تبعیض نژادی افریقای جنوبی)	Apartheid
آتش‌افروزی	F9re-setting
آتش بس	Cease-fire; Cessation; Truce
آتش‌سوزی	Fire

آتش‌سوزی به علت نامعلوم
Unknown cause fire

آتش‌سوزی در اراضی حیات وحش Wild and fire

آتش‌سوزی در جنگل Forest fire

آتش‌سوزی در منزل Home fire

آتش‌سوزی عمده Major fire

آتش‌سوزی عمدی Arson; Deliberately setting fire; Incendiarism; Purposely setting fire

آتش‌سوزی غیرقابل مهار Wild fire

آتش‌سوزی مشکوک Suspicious fire

آتش‌سوزی منجر به مرگ و میر Deadly fire

آتش‌سوزی منجر به مرگ و میر چندین نفر (سه نفر یا بیشتر) Fire killing three of more people; Multiple death fire

آتش گشودن Open fire

آتی الذکر Hereunder mentioned

آثار Consequences

آثار اشتباه Consequences of mistake

آثار انتفاء قرارداد Effects of frustration

آثار انقضاء یا تعلیق (معاهده)
Consequences termination or suspension

آثار بطلان قرارداد
Effects of the contract being void

آثار بی اعتباری (معاهدات)
Consequences of invalidity

آثار بیع Consequences of sale

آثار تاریخی
Historic monuments; Historical relics

آثار جانبی Externality

آثار حقوقی Juristic writings; Legal consequences: Legal Effects

آثار حقوقی ایجاد یک دولت جدید
Legal effects of the creation of a new state

آثار حقوقی تغییر حاکمیت بر قلمرو سرزمینی
Legal consequences of charges of sovereignty over territory

آثار حقوقی شناسایی در حقوق بین‌الملل
Legal effects of recognition in international law

آثار حقوقی وسیعتر شدن یک دولت جدید
Legal effects of the enlargement of an existing state

آثار خارجی Externality

آثار علمای حقوق Works of legal scholars

آثار غیرقانونی بودن قرارداد Effects of illegality

آثار فروش Consequences of sale

آثار قراردادی Contractual outcomes

آثار مترتب بر اشخاص ثالث
Effects on third party

آثار متعارف قراردادی
Reasonableness of contractual outcomes

آثار معاهده Effects of treaty

آثار نسبت به اشخاص ثالث
Effects on third party

آثار و سرمایه فرهنگی Cultural property

آثار وتبعات معارض Adverse effects

آحادسازی Unitization

آحادی‌ها Unit rate

آخرین پرداخت (در امور مربوط به قراردادها)
Complete payment

آخرین مهلت برای انجام تعهد Dead line

آدم ربا Abductor; Kidnapper

آدم ربائی Abduction; Kidnapping

آدم ربایی سیاسی Political abduction

آدمکشی Assassination

آدمی Human being

آدیز = منطقه شناسایی دفاع هوایی
ADIZ = Air Defense Identufication Zone
آذوقه Provisions
آر ــ فاکتور R factor
آرا Awards; Dicta
آرا یا احکام رسمی (دارای مرجعیت)
Authoritative determinations
آرامش صنعتی Industrial peace
آرامش طلبان Pacifist
آرامکو= شرکت نفت امریکایی عربستان =ARAMCO
Arabian American Oil Company
آرای قضایی Judicial decisions;
Judicial judgments; Judicial opinions
آرای مأخوذه توسط دولتها Votes cast by states
آرای موافق اعضای دائم Concurring votes
of the permanent members
آرایشات Deployment
آرزوها Aspirations
آرمان سیاسی Political aspiration
آرمان گرایانه Idealistic
آرمانهای تمدن غربی
Ideas of western civilization
آزادانه تعهدی را پذیرفتن
Enter into the obligation freely
آزادسازی برده Emancipation
آزادسازی زندانی Releasing a prisoner
آزادی Freedom; Liberty
آزادی اجتماعات صلح آمیز و مشارکت و همکاری
Freedom of peaceful assembly and association
آزادی ازدواج Freedom of marriage
آزادی انعقاد قرارداد
Freedom to conclude contract
آزادی بنا به قول شفاهی Freedom on parole

آزادی بیان Freedom of expression
آزادی پرواز بر فراز دریای آزاد
Freedom to fly over the high sea
آزادی تجارت Laissez-faire
آزادی تعیین مفاد قرارداد Freedom to
determine the content of the contract
آزادی حرکت و مسافرت Freedom of movement
آزادی در دریای آزاد Freedom of the high sea
آزادی دریانوردی Freedom of navigation
آزادی دریانوردی و پرواز
Freedom of navigation and overflight
آزادی دریاها Freedom of seas
آزادی دریای آزاد Freedom of High seas
آزادی رفت و آمد Freedom of movement
آزادی شکل (قرارداد) Freedom of form
آزادی طرفین قرارداد Parties autonomy
آزادی عقیده
Freedom of belief; Freedom of opinion
آزادی عقیده و بیان
Freedom of opinion and expression
آزادی عقیده و مذهب
Freedom of belief and worship
آزادی عمل Autonomy
آزادی فکر، وجدان و مذهب Right to freedom
of the thought, conscience and religion
آزادی قرارداد
Freedom of contract; Contract liberty
آزادی کامل Complete liberty
آزادی گفتگو Freedom of negotiation
آزادی ماهیگیری Freedom of fishing
آزادی مذاکره Freedom of negotiation
آزادی مشروط (از زندان)
Conditional discharge
آزادی مطلق Complete liberty

آزادی مطلق (بدون قید و شرط از زندان)
Absolute discharge

آزادی مطلق قرارداد
Absolute freedom of contract

آزادی ملی
National liberation

آزادی منطقه (محله‌های مسکونی)
Franchise du quartier

آزادی نصف کابلها و آزادی نصب کابلها و لوله کشی زیردریایی
Freedom to lay submarine cables and pipelines

آزادیهای اساسی
Fundamental freedoms

آزمایش تخلیه و برنامهٔ ارزیابی
Depletion Test and Appraisal Programme = D.T.A.P.

آزمایشات لرزه‌نگاری
Seismic testing

آزمایش سلاحهای هسته‌ای
Testing nuclear weapons

آزمایش واقعی
Acid test

آزمایشهای بیولوژیکی یا زیست شناختی
Biological experiments

آزمایشهای هسته ای
Nuclear tests

آزمایشی
Tentative

آژانس بین‌المللی اتمی
International Energy Agency = IEA

آژانس تخصصی
Hergy

آژانس تخصصی سازمان ملل
UN specialized Agency

آژانس خلع سلاح و کنترل تسلیحات
Arms Control and Disarmament Agency (ACDA)

آژانس کار و رفاه سازمان ملل (یونروا)
United Nations Relief Works Agency

آژانس مرکزی محیط زیست
Central environment agency

آژانس مرکزی اطلاعات (سیا)
Central Intelligence Agency

آژانس مرکزی جستجو
Central Tracing Agency

آسایش عمومی
Public tranquility

آستانه صلاحیت قضایی
Jurisdiction threshold

آستینیانیزم
Austinianism

آسیاب‌کن
Junk mill

آسیایی افریقایی
Afro-Asian

آسیب
Detriment

آسیب پذیری (ذخایر هسته ای)
Vulnerability

آسیب‌شناسی حقوقی
Pathology of law

آشتی
Compromise; Conciliation; Rapprochment; Reconciliation

آشتی دادن
Reconcile

آشکار کردن
Disclose; Reconcile

آشکارا
Openly

آشوب
Cataclysm; Disturbance; Riot; Tension; Turmoil; Unrest

آشوب داخلی
Internal tension

آشوب طلب
Rebel

آغاز جریان رسیدگی حقوقی
Institution of legal proceedings

آغاز جنگ
Commencement of war

آغاز خمیدگی چاه
Kicking off the well

آغاز کردن مذاکره
Open negotiation

آفات سماوی
Act of God

آگاه بودن از اشتباه
Be aware of the mistake

آگاه شدن از
Take notice of

آگاهانه
Deliberately

آگاهی نسبت به منطقهٔ عملیاتی
Area of Operations Acquiantance

آگاهی از
Acknowledgement

آگاهی از توصیف خلاف واقع
Learning of the misrepresentation

آگاهی از وجود شرط
Existence knowledge of the clause
آگاهی در مورد وجود شرط
Notice of the clause
آگاهی عملی Constructive notice / service
آگاهی معقول و کافی
Reasonable and sufficient notice
آگاهی های حقوقی Juridical consciousness
آگرمان Agrement
آگهی Advertisement; Notice
آگهی برگزاری حراج
Advertisement to hold on auction
آگهی در یک نشریه ادواری
Advertisement in periodical
آگهی دریایی Notice to mariner
آگهی دهنده Advertiser
آگهی عرضه سهام Prospectus
آگهی کردن ایجاب Advertise an offer
آگهی نیازمندیها Classified advertisement
آگهی های شرکت Company prospectuses
آگهی های عرضه سهام شرکت
Company prospectuses
آل (خویشان ـ اعقاب)
Family and relatives; Offspring
آلام و رنج های غیرضروری و زاید
Superfluous pains
آلت تناسلی Genital organ
آلت دست شدن Play into the hands
آلت قتاله Lethal weapon
آلودگی سهل‌انگارانه Negligent pollution
آلودگی گسترده Extensive pollution
آلودگی Pollution
آلودگی تصادفی یا غیرعمدی
Accidental pollution

آلودگی دریا Pollution of the sea
آلودگی دریایی Marine pollution
آلودگی محیط زیست دریایی
Pollution of the marine environment
آلودگی ناشی از تصادف کشتی‌ها، آسیب دیدن لوله‌ها یا انفجار در تأسیسات
Accidental pollution
آلودگی ناشی از کشتیها
Ship-generated pollution
آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی
Land-based pollution
آلودگی نفتی Oil pollution
آلودگی هواپیمایی Air Pollution
آماد نظامی Military material
آماده Preparation
آماده برای فروش است On sale
آماده کردن سند Prepare a document
آماده و دارای قصد خرید یا معامله
Ready and willing
آماده و مایل Ready and willing
آمال سیاسی Political aspiration
آمایش Treatment
آمایش مکانی Spacing
آمر One who gives orders
آمرانه Mandatory
آموزش نظامی Military training
آموزه (دکترین) استیمسون Stimson doctrine
آموزه (دکترین) اعمال حاکمه
Act of state doctrine
آموزه (دکترین) تحدید ارادی
Doctrine of autolimitation
آموزه (دکترین) دراگو Drago doctrine
آموزه (دکترین) کالوو Calvo doctrine

آموزه (نظریه) صیانت نفس	Self preservation
آموزه جنگ عادلانه	Just war doctrine
آنچه که قانوناً نیاز است	Required by law
آنقدر که ارزش دارد	As much as it is worth
آنکلوس ۱ ۱۹۵۸	UNCLOS I-1958
آنکلوس ۲ ۱۹۶۰	UNCLOS II-1960
آنی	Simultaneous
آنی و همزمان	Instantaneous
آیین	Procedure
آینده کالا	Commodity future
آیه (نشانه)	Mark; Sign
آیین اصلاح	Amendment procedure
آیین تجدید تابعیت	Redintegration
آیین تجدید نظر	Appellate proceeding
آئین حل و فصل منازعات	Dispute settlement procedures
آئین‌نامه	By-law; Ordinance
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی	International Atomic Energy Agency (IAEA)

ا

ائتلاف Alition; Integration

آب Father

اباحت (مباح سازی) Liberty; Setting freeguessing

اباحت (جواز) License

اِباحه Ermissiveness; Tolerance

ابتدا به ساکن باطل بودن Prima facie void

ابتداع Innovation

ابتکار Initiation; Initiative

ابتکار دفاع استراتژیک Strategic Defense Initiative (SDI)

ابتکار دیپلماتیک Diplomatic initiative

ابتکارات سیاسی Political initiatives

ابتکارتکنولوژی های پدیدار شونده Emerging technologies initiatives

ابتیاع Buy; Purchase

ابتیاع کردن Buy; Purchase; Redeem

ابتیاع کردنی Purchasable; Redeemable

ابد Eternity: Forever

ابداع Creation; innovation

ابداع (اختراع) Invention

ابداع کننده قواعد جدید Forger of new norms

ابدال (تعهد و .....) Alteration; Substitution

ابدی Eternal; Everlasting; Permanent

ابدیت Eternity

ابراء Acquit; Discharge; Disobligation; Liberation; Release

ابراء تعهد Release from an obligation

ابراء دیون Discharge the debts

ابراء ذمه Discharging from an obligation or a debt

ابراء قهری و کامل قرارداد Automatic and total discharge of the contract

ابراء معتبر Valid release

ابراء مناسب Good discharge

ابراز تمایل نسبت به انعقاد قرارداد براساس شرایط خاص Expression of willingness to contract on certain terms

ابراز داشتن قصد Evince an intention

ابراز دلیل Presentation of evidence

ابراز رضایت نهایی و غیر مشروط نسبت به شرایط ایجاب Final and unqualified expression of assent to the terms of an offer

ابراز قصد Manifestation of intent

ابراز کردن تمایل نسبت به Express an interest in

ابراز مخالفت Veto

ابرام Confirmation; Ratification; Upholding

ابرام کردن حکم به نفع ... Restore ruling in favour of ...

ابرص Leprous

ابرقدرت Super power

ابزار Equipment

ابزار اصلی اجراء Main means of enforcing

ابزار دیپلماتیک Diplomatic tool

ابزار سیاسی Instrument of policy

ابزارهای بازرسی و نظارت Monitoring devices

ابزارهای جنگی Means of warfare

ابطال

Annul; Annulment; Avoid; Avoidance; Cancel; Cancellation; Cancellatura; Cassare; Defeasance; Derogating; Making void; Nullification; Rescind; Revocation

ابطال امتیاز Revoke a concession

ابطال بخاطر اشتباه Rescission for mistake

ابطال بخاطر توصیف خلاف واقع

Rescission for misrepresentation

ابطال به موجب دادگاه انصاف

Equitable rescission

ابطال تعهدات شفاهی Acceptilation

ابطال ثبت Cancellation of registration

ابطال جزیی Partial avoidance

ابطال ساختن مدرک قراردادی

Rescind contractual document

ابطال عقد Dissolution

ابطال عموماً دارای اثر عطف بماسبق شونده است

Avoidance generally of retroactive affect

ابطال قانونی Legal rescission

ابطال قرارداد

Cancel a contract; Rescind the contract

ابطال قرارداد از ابتدا Rescission of contract

ابطال قرارداد را پذیرفتن Submit to rescission

ابطال کردن قرارداد Avoid contract

ابطال یا تعدیل Avoidance or adaptation

ابطال یعنی کنار گذاشتن قرارداد

Rescission, i.e. setting aside the contract

ابغض الحلال Worst among permitted things

ابقاء محتاطانه موافقتنامه متارکه جنگ

Scrupulous maintenance of the armistice

ابلاغ Notification; Reaches; Service

ابلاغ آگهی Warn notice

ابلاغ اخطار خاص (قانونی)

Service of proper notice

ابلاغ انتقال Notice of assignment

ابلاغ ایجاب Communication of offer

ابلاغ داخلی Substituted notice / service

ابلاغ در محل اقامت Service at domicile

ابلاغ رد ایجاب

Notice of revocation of an offer

ابلاغ رسمی Formal notice

ابلاغ صحیح قانونی Proper statutory notice

ابلاغ صریح Express notice

ابلاغ غیر مستقیم Indirect notice

ابلاغ قانونی

Constructive service; Substituted service

ابلاغ قانونی خارجی

Constructive notice of process

ابلاغ قانونی یا اعتباری

Constructive notice / service

ابلاغ کردن به متعهدله

Communicate to the promisee

ابلاغ مؤثر قبلی Effective communication of the acceptance

ابلاغ ناقص Imperfect transmission

ابلاغ نامزدی (یا اعلام انتصاب)

Notification of appointment

ابلاغ نامه Summons

ابلاغ واقعی Actual communication; Actual notice; Personal service

ابلاغیه Notification

ابن Son

ابنیه ساخت بشر Man-made structures

ابوت Paternity

ابوین Parents

ابوینی (در ارث) Germane
ابهام Ambiguity; Vagueness
ابهام آمیز Dubious
ابهام پوشیده Latent ambiguity
ابهام خارجی Extrinsic ambiguity
ابهام در عبارات قانون
Ambiguity in the wording of a law
ابهام در قانون Uncertainty in the law
ابهام در قرارداد علیه طرفی تفسیر می‌شود که می‌تواند نظر خود را روشن‌تر بیان کند Obscuratis pacti nocet et qui apertuis loqui potuit
ابهام در مشخصات مزایده
Ambiguity in the auction particulars
ابهام ظاهری Patent ambiguity
ابهام ظریف در یک قرارداد
Subtle ambiguity in a contract
ابهام عارضی Extrinsic ambiguity
ابهام مخفی Latent ambiguity
ابهامات در قانون Ambiguities in law
ابی Consanguine
ابی ـ ابوینی (در ارث) Agnatic
اتاق بازرگانی Chamber of Commerce
اتاق تهاتر (بین بانکها) Clearing House
اتباع Citizens; Nationals; Subjects
اتباع انگلیس British subjects
اتباع خارجی Overseas citizens
اتباع دشمن Enemy subjects
اتباع کشورهای مستقل مشترک المنافع
Citizens of independent commonwealth countries
اتباعی که تابعیت آنها بصورت اکتسابی است
Naturalized citizens
اتحاد Alliance; Unity

اتحاد آزاد Free association
اتحاد اروپا Concert of Europe
اتحاد با دولت مجاور
Union with the adjoining state
اتحاد برای صلح Uniting for peace
اتحاد چهارجانبه Quadruple Alliance
اتحاد در عمل Concurrence
اتحاد شخصی Personal union
اتحاد فردی Personal union
اتحاد قبرس با یونان Enosis
اتحاد مثلث Triple Alliance
اتحاد مجموعه رویه‌های تجاری
Trade association codes of practice
اتحاد مقدس Holy alliance; Saintly alliance
اتحاد واقعی Real union
اتحادیه Alliance; Association; League
اتحادیه آزاد Free association
اتحادیه آسیای جنوب شرقی (آسا)
Association of Southeast Asia (ASA)
اتحادیه اروپا European Union
اتحادیه اروپای غربی (ویو)
Western Europe Union (WEU)
اتحادیه اروپایی European Union
اتحادیه بازرگانی آزاد آمریکای لاتین (لافتا)
Latin American Free Trade Association (LAFTA)
اتحادیه بازرگانی آزاد اروپا (افتا)
European Free Trade Association (EFTA)
اتحادیه بازرگانی آزاد کارائیب (کاریفتا) Caribbean Free Trade Association (CARIFTA)
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور International Telecommunications Union (ITU)

اتحادیه بین المللی مخابرات راه دور (ایتو)
International Telecommunication Union (ITU)
اتحادیه بین‌المجالس
Interparliamentary Union
اتحادیه پست جهانی
Universal Postal Union (UPU)
اتحادیه تجاری Trade union
اتحادیه تجاری بین المللی
International Trade Union
اتحادیه تجاری(کارگری) Trade union
اتحادیه جمعیتهای صلیب سرخ
League of Red-Cross Societies
اتحادیه جهانی پست (اوپو)
Universal Postal Union (UPU)
اتحادیه دفاعی Defensive alliance
اتحادیه دول Union of states
اتحادیه سیاسی
Political alignment; Political unio
اتحادیه عرب Arab league
اتحادیه عمومی پست General Postal Union
اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی (آسه آن)
Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)
اتحادیه گمرگی Customs union
اتحادیه یکپارچه سازی آمریکای لاتین (لایا)
Latin American Integration Association (LAIA)
اتخاذ Adoption
اتخاذ اقدامات احتیاطی برای مقابله با تهدیدات نسبت به صلح Taking enforcement action to deal with threats to the peace
اتخاذ اقدامات خاص
Taking certain course of action

اتخاذ تدابیر نظامی Taking military action
اتخاذ تصمیمات الزام آور
Taking binding decisions
اتخاذ کردن Hand down
اتفاق (احتمال) Chance
اتفاق (حادثه) Accident; Event
اتفاق آراء Consensus (of opinions)
اتفاق پیش‌بینی نشده Casus fortuitous
اتفاق فوق‌العاده Casus major
اتفاق قهری (قوه قهریه) Act of God
اتفاق مثلث Triple Entente
اتفاقات کوچک مرزی Minor border incidents
اتفاقی Contingent
اتفاقی و از ناچاری و بدون قصد Causaliter et per infurtunium et contra voluntatem suam
اتکاء Reliance
اتکاء به اظهار
Reliance on the representation
اتکاء پذیری ذخایر هسته‌ای Stockpile reliability
اتکاء کردن به کتاب قواعد
Hang on to the rule-book
اتکای محتمل Probable reliance
اتکای موجب زیان Detrimental reliance
اتلاف Destruction
اتلاف وقت Time – consuming
اتمام حجت Ultimatum
اتهام Accusation; Allegation
اتهام مربوط به قانونگذاری بصورت عطف بماسبق
Accusation about retroactive legislation
اتهامات کوچکتر Minor charges
اتیان سوگند Swearing; Taking an oath
اثاثیه و اموال Furnishing & property

اثبات Proving

اثبات ادعا بر عهده مدعی است
The burden of proof rests with

اثبات صداقت Proof of sincerity

اثبات عقلایی بودن (شروط) به عهده کسی است که مدعی آن می‌باشد
Party alleging reasonableness must prove it

اثبات قرارداد Proof of contract

اثبات کردن Demonstrate; Prove

اثبات کردن ادعا Support claim

اثبات کردن خسارت Prove damages

اثبات گرایان Positivists

اثبات گرایان افراطی Extreme positivists

اثبات گرایان میانه رو Moderate positivists

اثبات مالکیت کردن Prove title

اثبات موجودیت حکومت
Proof of the existence of a government

اثبات وجود یک توافق حقوقی Evidence of the existence of a legal agreement

اثبات ورود ضرر Proof of loss

اثبات هویت Proof of identity

اثر (نتیجه) Consequence; Effect; Result

اثر (نشانه) Trace

اثر اجبارکننده Coercive effect

اثر اجبار کننده واقعی Actual coercive effect

اثر الزام آور Binding effect

اثر انتقال Effect of the assignment

اثر انتقالی Effect of transforming

اثر انگشت Finger print

اثر ایجادی Constitutive effect

اثر تأسیسی Constitutive effect

اثر جنگ بر معاهدات
Effect of war on treaties

اثر حق شرط Effect of a reservation

اثر حقوقی (کتاب) Legal literature

اثر داشتن قبولی Take effect acceptance

اثر دقیق Precise effect

اثر ضروری Necessary implication

اثر عادی قراردادی
Normal contractual effect

اثر عطف بماسبق شدن ابطال
Retroactive effect of avoidance

اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث
Effects of contracts on third parties

اثر قاطع Decisive effect

اثر قانونی Legal effect; Statutory effect; Statutory force

اثر قانونی غیرممکن شدن
Legal effect of frustration

اثر قانونی یافتن Give statutory force

اثر قراردادی Contractual effect

اثر قراردادی داشتن Have contractual effect

اثر قراردادی متعارف
Normal contractual effect

اثر قهقرائی داشتن Retrospective effect

اثر کلی مقتضای رأی دادگاه General impression of what court's riles requires

اثر گذاشتن Make impression

اثر مثبت Favourable impression

اثر محدودکننده Restraining influence

اثر محدودسازی قدرت معاهده
Effect of restricting the force of the treaty

اثر مطلوب Favourable impression

اثر مفید و احترام آمیز Salutary effect

اثر ناگوار Embiterring effect

اثرات طبیعی و محتمل
Natural and probable consequences

اثر حقوقی (نتیجه) Legal effect

اثم (گناه) Sin

اجاره Charterparty; Hire; Lease; Rent

اجاره اشخاص Contract of employment; Contract of service

اجاره اموال غیرمنقول
Leasing of real property

اجاره بر اساس قرارداد Contract rent

اجاره برای بیش از ۳ سال
Lease for more than three years

اجاره به شرط تملیک Hire – Purchase

اجاره بهاء Contract rent; Contractual rent; Hiring fee; Rent

اجاره بهای اموال غیرمنقول
Rental of real property

اجاره بهای سالیانه Rental of per annum

اجاره بهای قابل دریافت از نظر قانون
Rent chargeable by law

اجاره بهای قانونی Statutory rent

اجاره بهای قراردادی Contractual rent

اجاره بهای متعارف Reasonable rent

اجاره بهای مقطوع Contractual rent

اجاره پول Money lending

اجاره تعیین شده در عقد اجاره
Rent stipulated in the lease contract

اجاره دادن
Let; Let out; Letting; Put out on lease

اجاره دادن خانه Lease of a house

اجاره دادن... به ... به مبلغ ... در سال
Let … to … at … per annum

اجاره دست دوم Under lease

اجاره دهنده پول Money lender

اجاره زمانی Time charter

اجاره زمانی کشتی Time charterparty

اجاره زمین Lease of land

اجاره سالیانه Annual rent

اجاره قراردادی
Contract rent; Contractual rent

اجاره کشتی بدون وسایل و ملوانان
Bare boat charter

اجاره کردن
Charter; Take a lease; Take on lease

اجاره کردن ... از Charter…from

اجاره کردن ساختمان از Lease a flat from

اجاره کردن کشتی Charter a ship

اجاره کردن ملک
Grant of lease an premises; Lease premises; Take a lease of premises

اجاره کننده Charterer; Hirer

اجاره مادام العمر Perpetual lease

اجاره مختصری که مالک زمین از مالک آپارتمانها می گیرد
Ground rent

اجاره معوقه Outstanding hire

اجاره ملک جدید Leasing new premises

اجاره نامه
Lease contract; Tenancy agreement

اجاره نامه جدید تنظیم کردن Take a new lease

اجاره نمودن Take a tenancy

اجاره نود و نه ساله یک دستگاه آپارتمان
Ninety-nine year lease of a block of flats

اجاره های زمانی Time charters

اجازه (تأیید) Approval; Ratification

اجازه اقامت Residence permit

اجازه انعقاد قرارداد Contract authorization

اجازه دادن Authorize; Give authority; Give power; Grant permission

اجازه دادن به Give power to

اجازه کاشف از صحت معامله است
Omnis ratihabitio retrotrahitur

اجازه نامه کنسولی Exequatur

اجبار Coercion; Compulsion;Constraint

اجبار به اجرای (قرارداد)
Compel performance; Compel to perform

اجبار به اجرای تعهدات مثبت Compel performance of positive obligation

اجبار به اجرای عین تعهد کردن
Compel specific performance of a contract

اجبار به انجام تعهد Specific performance

اجبار به انجام عین تعهد
Specific performance;

اجبار به وفای شرط کردن
Compel to execute the condition

اجبار کشور Coercion of a state

اجبار مادی
Physical coercion; Physical force

اجبار مشتری به پرداخت عوض (ثمن)
Compel the purchaser topay consideration

اجبار معنوی
Constructive coercion; Mental coercion

اجبار نماینده دولت یا کشور
Coercion of a representative of state

اجبار یک دولت از طریق تهدید یا استفاده از قوه قهریه
Coercion of a state by the threat or use of force

اجباراً Compulsorily; Nolens volens

اجباری Bounden; Compulsative; Compulsatory; Compulsive; Compulsory; Mandatory; Obligatory

اجباری کردن Make mandatory

اجباری نبودن حل و فصل قضایی
Absence of obligatory judicial settlement

اجتماع Society

اجتماع امنیتی Security community

اجتماعات متخاصم
Belligerent communities

اجتناب Avoidance

اجتناب از قرارداد Avoidance of contract

اجتناب ناپذیر Indispensable; Inevitable

اجتهاد Individual legal reasoning (by a Muslim jurist)

اجتهاد در مقابل نص باطل است
Expressum facit cessare

اجحاف Abuses

اجداد Male ascendants

اجر (پاداش) Reward; Remuneration

اجرا Application; Enforcement;Feasance; Fulfillment; Implement; Implementation; Performance; Put into effect

اجرا باید با رضایت شخصی باشد Performance must be to personal performance

اجرا توسط شخص ثالث
Enforcement by the third party

اجرا توسط طرف مقصر
Enforcement by the guilty party

اجرا شدن
Apply to; Be enforced; Be executory

اجرا شدن بوسیله قانون Be enforced by law

اجرا شده Executed

اجرا کردن Render performance

اجرا کردن احکام دادگاههای خارجی
Enforce the judgements of foreign courts

اجرا کردن باقیمانده قرارداد
Enforce the remainder of contract

اجرا کردن بخشی از قرارداد
Perform part of the contract
اجرا کردن براساس دستور دادگاه
Enforce on an order of the court
اجرا کردن تعهد Carry out promise;
Enforce promise; Perform obligation
اجرا کردن تعهد به جای متعهد Perform the
obligation in place of the obligor
اجرا کردن تعهدات Exchange promises
اجرا کردن تعهدات قراردادی
Satisfy contractual obligations
اجرا کردن حکم بر علیه (خویش)
Carry out adverse judgement
اجرا کردن حکم دادگاه
Carry out the court's judgement
اجرا کردن رأی داوری
Carry out arbitral award
اجرا کردن علیه Enforce against …..
اجرا کردن قرارداد Carry out the contract;
Enforce the contract; Perform a contract
اجرا کردن مابقی (تعهد) Enforce the rest
اجرا کردن مسئولیت تعهد Meet the liability
اجرا کردن معاملات Enforce bargains
اجرا کردن معاهده بطور موقت
Apply a treaty provisionally
اجرا کردن مقررات قرارداد
Enforce the contract provisions
اجرا کردن وظایف اداری یا کاری
Fulfil the duties of one's office or job
اجرا کننده تراست Trustee
اجرا کننده تراست و ذینفع
Trustee and beneficiary
اجرا کننده عمده (قرارداد)
Substantial performer
اجرا کننده ناقص Partial performer

اجرائیه (قرار اجرا) Executive writ
اجرام آسمانی Celestial bodies
اجرام سماوی Celestial bodies
اجرای آتی تعهد Future performance
اجرای اساسی Substantial performance
اجرای اکید تعهدات قراردادی رکن قرارداد است
Strict performance of contract of essence
اجرای اکید قرارداد دارای ارزش ماهوی و حیاتی است
Strict performance of contract of essence
اجرای التزام Prestation
اجرای انجام شده Tendered performance
اجرای بالفعل Actual performance
اجرای بخشی از تعهد اجرا تلقی نمی‌شود
Part performance is no performance
اجرای بخشی از قرارداد Part performane;
Partial performance of contract
اجرای بدل قرارداد Substitute performance
اجرای به اقساط تعهد
Performance in instalments
اجرای به موقع قرارداد Due performance
اجرای پس از موعد تعهد Earlier performance
اجرای پیمان Enforcement of the covenant
اجرای تعهد Enforcement of the covenant;
Execution; Fulfilment of an obligation;
Performance of obligation
اجرای تعهد از ابتدای قرارداد غیرممکن است
Performance impossible from the outset
اجرای تعهد از نوع مشابه
Performance of the same kind
اجرای تعهد باید ازکیفیت متوسط برخوردار باشد
Performance must be of average quality
اجرای تعهد پس از زمان مقرر
Performance overdue

اجرای تعهد پولی
Performance of monetary obligation
اجرای تعهد توسط طرف ثالث
Third party performance
اجرای تعهد غیرپولی
Non-monetary performance
اجرای تعهد متقابل خریدار
Performance of buyer's counter-promise
اجرای تعهد مورد توافق Agreed performance
اجرای تعهدات Carry out the obligations
اجرای تعهدات بیشتر به موجب قرارداد
Performance of further obligations under the contract
اجرای تعهدات غیرپولی
Performance of non-monetary obligation
اجرای تعهدی که خصلتی منحصراً شخصی دارد
Performance of an exclusively personal character
اجرای جزیی تعهدات
Part performance; Partial performance
اجرای حقوق قانونی Enforce legal rights
اجرای حقوق بین الملل
Enforcement of international law
اجرای حقوق بین‌الملل از طریق حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی Enforcement of international law through peaceful settlement of international disputes
اجرای حقوق بین الملل از طریق دادرسی
Enforcement of international law through adjudication
اجرای حقوق بین الملل از طریق داوری
Enforcement of international law through arbitration
اجرای حقوق بین الملل از طریق نظام امنیت جمعی
Enforcement of international law through collective security system

اجرای حکم Execution of the judgement
اجرای حکم دادگاه Enforcement of judgement
اجرای خاص Specific performance
اجرای در آینده (تعهد)
Performance in the future
اجرای دقیق Strict performance
اجرای رضایت بخش Fulfillment
اجرای رضایت بخش و قانع کننده (قرارداد)
Satisfactory performance
اجرای سند کتبی
Execution of the written document
اجرای صریح Strict performance
اجرای عدالت Administration of justice
اجرای عمل Performance of an act
اجرای عمل خاص
Performance of a certain action
اجرای عین تعهد Specific performance
اجرای عین قرارداد Specific performance
اجرای غیر مستقیم قرارداد
Indirect enforcement of contract
اجرای غیرقانونی Illegal performance
اجرای غیرکامل Incomplete performance
اجرای غیر ممکن Impossible of performance
اجرای قاعده‌ای که به قوه مجریه واگذار شود
Enforcement of the rule is left to the executive
اجرای قانون Operation of law
اجرای قرارداد
Enforcement of contract; Execution of agreement; Execution of contract; Operation of the contract; Performance of agreement; Performance of contract
اجرای قرارداد با هزینه بالاتر (گرانتر)
Performance more expensive

اجرای قرارداد به نحوی که طرف اشتباه کننده فهمیده است Performance of the contract as understood the mistaken party

اجرای قرارداد را تضمین کردن Guarantee a contract

اجرای قرارداد را رها کردن Abandon the contract

اجرای قرارداد را غیرممکن ساختن Render performance impossible; Render performance of the contract impossible

اجرای قرارداد را مطالبه کردن Enforce the contract

اجرای کامل قرارداد Complete performane of contract; Full performance of contract

اجرای کامل قرارداد و تمامی شروط مندرج در آن بدون اینکه کاری باقی بماند Execution

اجرای مؤجل Future performance

اجرای متقابل تعهد Counter-performance

اجرای مجازات Enforcement

اجرای مستقیم تعهد In specie performance

اجرای مستقیم قرارداد (توافق) Specific performance of agreement

اجرای معاهدات Application of treaties

اجرای معاهدات متعاقب ناظر بر موضوع واحد Application of successive treaties relating to the same subject – matter

اجرای معاهده Performance of treaty

اجرای معین Specific performance

اجرای معیوب Defective performance

اجرای مناسب عدالت Proper

اجرای موقت معاهده Provisional application of a treaty

اجرای میثاق Enforcement of the covenant

اجرای میزان کمتری از تعهد Lesser performance

اجرای ناتمام Defective execution

اجرای ناقص Defective execution; Defective performance; Incomplete performance; Part performance; Partial performance

اجرای ناقص پذیرفته شده Part performance accepted

اجرای ناقص قرارداد Lesser performance

اجرای وظایف رسمی Exercise of official functions

اجرای وظیفه موجود Performance of existing duty

اجرای ویژه قرارداد Specific performance of agreement

اجرای یک وظیفه عمومی موجود Performance of an existing public duty

اجرای یک وظیفه قراردادی که نسبت به متعهد وجود دارد Performance of a contractual duty owed to the promisor

اجرای یک هدف غیر قانونی Accomplishment of an illegal purpose

اجرای یکجای تعهد Performance at one time

اجرایی Executory

اجرت Wage

اجرت المثل Average wage; Fair equivalent remuneration; Fair remuneration; Quantum meruit; Reasonable wage; Remuneration

اجرت المسمی Specified wage

اجزا و توابع مبیع Parts and appurtenances of the object of sale

اجزای اساسی تشکیل دولت Essential ingredient of statehood

اجزای نمایندگی Members of the staff of the mission

اجل (مدت) Term

اجلاس Session

اجلاس فوق العاده Extraordinary session

اجلاس ویژه Special session

اجلاسیه Session

اجلاسیه سازمانهای بین المللی
Meetings of international organizations

اجلاسیه فوق العاده Special sessions

اجلاسیه منظم سالیانه
Regular annual sessions

اجماع Consensus of juristic opinion; Consensus of opinions (among Muslim Jurists)

اجماع جدید New consensus

اجماع حقوقدانان Opinio juris

اجماع در مورد معامله یا قرارداد الزام‌آور
Consensus ad / in idem

اجماع سکوت
Consensus evidenced by silence

اجماع فعل Consensus evidenced by practice

اجماع قول Consensus evidenced by speech

اجماع محصل Researched consensus

اجماع منقول Narrated consensus

اجماعی Consentaneous; Consentant

اجمال Brevity

اجناس به امانت گذاشته شده
Good deposited

اجناس تولیدی Capital goods

اجناس خسارت دیده
Damaged articles; Damaged goods

اجناس را بطور نسیه دادن
Part with goods on credit

اجناس قیمت گذاری شده Priced goods

اجناس قیمتی Valuables

اجناس گم شده Lost articles; Lost goods

اجنبی Alien; Foreigner; Stranger

اجور Rentals

اجور معوقه Arrears of rent

اجیر Hired worker

احاله Renvoi

احاله (در حقوق بین الملل خصوصی) Transfer

احاله رسیدگی دادگاه به جلسه بعد
Adjournment

احترام Comity

احترام به اصل تساوی حقوق
Respect for the principle of equal rights

احترام به خود Self regard

احترام به قوانین جنگ
Respect for the laws of war

احترام به مالکیت Sanctity of property

احترام جهانی Universal respect

احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها (اصل)
Mutual respect for the territorial integrity and sovereignty of state

احتکار Hoarding

احتکار کردن Forestall

احتلام Nocturnal pollution

احتمال وجود سردرگمی
Likelihood of confusion

احتمال وقوع اشتباه Likelihood of confusion

احتمال وقوع یک حادثه عقیم کننده
Possibility of frustrating event

احتیاجات شخصی Personal needs

احتیاط Precaution

احتیاط زیاد ضرری ندارد
Abundans cautela non nocet

احتیاط شدید Extreme caution

احتیال (کلاهبرداری)
Deception; Fraud; Swinding

احداث (ساختمان) در زمین مجاور
Development of the adjacent land

احراز شرایط
Meet the conditions

احراز قصد طرفین
Unpacking the parties' intention

احراز کردن قصد طرفین
Ascertain the intention of the parties; Unpack the parties' intention

احراز میزان ضرر
Determination of extent of harm

احراز هویت
Identification

احراق (سوزاندن)
Arson; Burning: Setting on fire

احرام
The sacred state in pilgrimage to Mecca

احساس
Motivation

احساس انزجار و تنفر
Feeling of resentment

احساس ضد استعماری
Anti-colonialist feeling

احساس علاقه و دلبستگی
Emotional attachment

احساس ناراحتی و رنجش
Feeling of resentment

احصائیه
Statistics

احصان
The state of being married

احضار
Summoning

احضار (مأمور سیاسی)
Recall

احضاربه دادگاه
Summoning to the court

احضاریه
Summons

احفاء (اولاد)
Descendants

احقاق حق
Administration of Justice

احکام
Awards; Commandments; Judgments; Orders

احکام اعلامی
Declaratory judgments

احکام قطعی
Final awards (judgments)

احکام محاکم داخلی و بین‌المللی
Judgements of national and international tribunals

احکام مغایر
Contradictory judgments

احکام وجدان عمومی
Dictates of public conscience

احکام دادگاه ضرر نمی‌زند
Actus legis nemini damnous

احکام دادگاهها
Judgements of a court

احکام سلطنتی
Royal charter

احکام و قرارها
Contract of record

احلیل
Orifice of the penis; Sexual organ of a man

احوال شخصیه (قوانین)
Personal status (laws)

احیاءکننده ملک
Property developer

احیاء موات
Cultivating waste land

اخاذی
Blackmail; Extortion

اخافه
Intimidation

اخبار
Traditions

اختبار
Test

اختتام
Termination

اختتام معاهدات
Termination of treaties

اختصاص سهمیه (شیلات)
Allocation (of Fisheries)

اختصاصی
Ad hoc

اختلاس
Embezzlement

اختلاف
Disagreement; Discrepancy; Dispute

اختلاف آشکار
Legitimate difference

اختلاف تجاری Trade dispute
اختلاف جزیی Slight difference
اختلاف حقوقی Legal dispute
اختلاف در ارزش Discrepancy in values
اختلاف در قدرت معاملاتی
Disparity of bargaining power
اختلاف زیاد بین ...
Huge disparity between ...
اختلاف صادقانه Honest dispute
اختلاف طولانی Prolonged dispute
اختلاف فاحش Gross disparity
اختلاف فاحش میان قیمت قراردادی و ارزش واقعی
Huge disparity between contract price and real value
اختلاف قابل توجه Considerable difference
اختلاف قابل ملاحظه
Considerable controversy
اختلاف کارگری Industrial dispute
اختلاف مرزی
Boundary dispute; Frontier dispute
اختلاف موجود Resulting dispute
اختلاف ناشی از Dispute arise over
اختلاف نظر Difference of opinions;
Divergence of opinions; Division of opinion
اختلاف نظر ناشی از Controversy evoked by
اختلاف یا مناقشه بین المللی
International dispute
اختلافات ارضی Territorial disputes
اختلافات بین المللی
International controversies
اختلافات جزئی Trivial disputes
اختلافات را بدادگاه ارجاع دادن (تسلیم کردن)
Submit disputes to a court
اختلافات زبانی Linguistic discrepancies

اختلافات عمده Significant differences
اختلافات غیرقابل ارجاع به قضاوت
Non-justifiable disputes
اختلافات غیرقابل رسیدگی قضایی
Nonjusticiable disputes
اختلافات قابل ارجاع به قضاوت
Justifiable disputes
اختلافات قابل رسیدگی قضایی
Justiciable disputes
اختلافات ناشی از قرارداد
Disputes arising from the contract
اختلال اراده Coercion of the will
اختلال جزیی Partial disruption
اختلال در امواج Jamming
اختلال روانی Mental disorder
اختلال مشاعر Mental abnormality
اختناق Suppression
اختیار Discretion; Free will
اختیار اتخاذ و تصمیمات الزام آور
Power to take binding decisions
اختیار اعطای قدرت به کمیسیون
Option of empowering the commission
اختیار بازرسی Power to search
اختیار بی سابقه Open ended discretion
اختیار تام (اختیار نامه) Full powers
اختیار تصرف Option to occupy
اختیار تغییر قانون را داشتن
Possess the power to change the law
اختیار توقیف Power of arrest
اختیار دادن Authorize; Empower
اختیار داشتن Have a discretion
اختیار در خرید یا عدم آن Call option
اختیار دو برابر کردن مبیع برای مشتری
Call of more

اختیار دولتها States discretion

اختیار رد قرارداد Option to repudiate

اختیار ضمنی Implied power

اختیار ظاهری Apparent authority

اختیار فروش Put option

اختیار فسخ برای طرفین Mutual rescission

اختیار فسخ معامله Option the rescinding the sale; Right of cancelling the transaction

اختیار فسخ معامله تا قبل از ترک محل معامله
Spot option

اختیار فسخ یک طرفه Potestative condition

اختیار قانونی Legal power

اختیار قبولی Power of acceptance

اختیار کناره گیری دادن
Give an option to withdraw

اختیار متقابل برای توقیف
Reciprocal power of arrest

اختیار متقابل برای محاکمه
Reciprocal power for trial

اختیار محدود اعطاء کردن Give limited power

اختیار و آزادی انعقاد قرارداد
Contractual freedom

اختیار واقعی Genuine choice

اختیار وسیع Sweeping authority

اختیارات اضطراری (فوق العاده)
Emergency powers

اختیارات اعمال شده توسط ...
Powers exercised by...

اختیارات انتظامی Disciplinary powers

اختیارات تفویض شده یا اعطایی
Power conferred

اختیارات دادگاههای کشور برای استماع پرونده‌های مربوط به اشخاص اموال
Powers of a state's courts to hear cases concerning the persons / property

اختیارات سازمان Powers of the organization

اختیارات سازمانهای بین المللی
Powers of international recognitions

اختیارات سرپرستی Supervisory powers

اختیارات عمومی General powers

اختیارات قابل ملاحظه ای برای نظارت
Considerable powers of supervision

اختیارات قانون شرکت
Company's statutory powers

اختیارات قانونگذاری Powers to legislation

اختیارات قانونی Statutory powers

اختیارات مؤسسات منطقه‌ای
Powers of regional agencies

اختیارات مجمع عمومی
Powers of the General Assembly

اختیارات معین شده در اساسنامه
Power defined in the charter

اختیارات مندرج در قانون
Powers contained in the statute

اختیارات نظارتی Supervisory powers

اختیارات و وظایف Powers and functions

اختیارنامه Full power

اختیارنامه مناسب Appropriate full powers

اختیاری Ad voluntatem; Optional; Permissive; Voluntary

اختیاری بودن قرارداد
Voluntariness of contract

اختیاری که پیش شرط یک قرارداد باشد
Authority coupled with an interest

اخذ به شفعه (حق) Pre-emption (Right of)

اخذ تعهد قراردادی از ....
Obtaining the contractual undertaking from
اخذ جواز کشتیرانی در زمان جنگ از دولت متخاصم
Navicerts
اخذ دستمزد عقب افتاده
Recover arrears of salary
اخذ دیون Recover a debt
اخذ کردن خسارت Recover damage
اخذ کردن نظریه (مشورتی) مستقل
Take independent advice
اخذ کردن مجوز Obtain licence
اخذ منافع ناشی از اقدامات افراد Obtaining some benefit from the individual's act
اخراج Deportation; Dismiss; Eviction; Expel; Expulsion
اخراج از تابعیت اکتسابی Denaturalization
اخراج از سازمان
Expulsion from the organization
اخراج از شغل Dismissal
اخراج از کشور Deportation; Expulsion
اخراج اعضاء Expulsion of members
اخراج خودسرانه Deportation of arbitrary
اخراج دسته جمعی (اشخاص غیرنظامی)
Mass deportation
اخراج دول عضو موجود
Expulsion of existing members
اخراج غیرقانونی Wrongful dismissal
اخراج فوری Summary dismissal
اخراج کردن از Deport from; Expel from
اخراج کردن از اداره Dismiss from office
اخراج کردن بدون پرداخت خسارت
Dismiss without compensation
اخراج کردن تروریست ها Expel the terrorists

اخراج کردن یک کارگر غیرعضو
Dismiss a non-union employee
اخراج نابجا Wrongful dismissal
اخراج نادرست Wrongful dismissal
اخراج نیروهای ملی گرا
Expel the nationality forces
اخطار
Mistery; Notice; Notification; Warning
اخطار ابطال
Notice of avoidance; Notice of rejection
اخطار اعتباری Constructive notice / service
اخطار باید دریافت شود
Notice must be received
اخطار برای انجام تعمیر Notice to repair
اخطار به اعتراض Notification to objection
اخطار به انجام تعهد
Summons to do something
اخطار به شخص متعهد Notice to the obligation
اخطار به ضامن برای انجام تعهدات Avoucher
اخطار به کشتی جهت توقف Stop signal
اخطار به مشتری Caveat emptor
اخطار به ناقض قرارداد Default notice
اخطار خاتمه دادن به قرارداد
Notice of termination
اخطار دائر بر عدم مطابقت
Notice of non-conformity
اخطار دادن Give notice
اخطار دادن برای تعمیر Give notice to repair
اخطار دعاوی شخص ثالث
Notice of third party claims
اخطار راجع به اقدام جبرانی Notice of cure
اخطار راجع به محدودیت
Notice of a restriction
اخطار سریع Prompt notice

اخطار عدم قبول Notice of rejection

اخطار فسخ
Notice of avoidance; Notice of termination

اخطار قانونی معاملات Cenninga

اخطار قبلی Advance notice; Prior notice

اخطار قراردادی Contract notice

اخطار کافی Sufficient notice

اخطار کافی دال بر پس گرفتن ایجاب Adequate notice of the revocation of the offer

اخطار کردن Put on notice

اخطار کننده Caveator

اخطار معقول Reasonable notice

اخطار معمولی Reasonable notice

اخطار مورد نیاز Required notice

اخطار ناکافی Insufficient notice

اخطار نهایی Final notice

اخطار واقعی Actual notice

اخطار واگذاری Notice of the assignment

اخطار هشدار دهنده Warning notice

اخطاری Warning signals

اخطاری که دیرتر از موعد داده شده
Notice came too late

اخطاریه Legal notice; Legal writ; Notice

اخطاریه اقدام جبرانی Notice of cure

اخفاء Concealing

اخفاء مال مسروقه (مداخله در اموال مسروقه)
Concealing stolen goods; Handling stolen goods

اخفای اطلاعات Concealment of information

اخفای متقلبانه Fraudulent concealment

اخلاق Morality

اخلاق حسنه (اخلاق عمومی)
Good moral; Public moral

اخلاق گرایی Moralism

اخلاقیات مثبت بین المللی
International positive morality

اخلال نسبی Partial interruption

اخوال (دائی ها) Maternal uncles

اخوه Brothers and sisters; Collaterals

اداء Satisfaction

اداء (اجرای بهنگام وظیفه شرعی)
Timely performance of a religious duty

اداره Department

اداره آگاهی فدرال (اف ـ بی ـ آی)
Federal Bureau of Investigation

اداره امور Administration; Governance

اداره امور داخلی Domestic administration

اداره بازرگانی Board of trade

اداره ترکه Administration of estate

اداره ثبت احوال Register office

اداره جنگ Conduct of war

اداره کارگزینی Personnel Department

اداره کردن امور شغلی شخص
Handle individual's business affaires

اداره مالیات Inland revenue

اداره مشترک Condominium

اداری Administrative

ادامه جریان داد و ستد
DBA= doing business as

ادامه دادن دعوا Proceed action

ادامه دادن قرارداد
Continue with the contract; Proceed with the contract

ادامه طبیعی Natural prolongation

ادای دین Liberation; Pay up; Payment of a debt; Satisfaction of debt

ادای شهادت Giving evidence

ادای فرمول خاص شفاهی در موقع ایجاد عقد
Verba certa

ادای فریضه Fulfilment of a religious duty

ادبیات حقوقی Legal literature

ادرء الحدود بالشبهات
Do not enforce (the prescribed)

ادعا Allegation; Assertion; Claim; Plea

ادعا برای صدور حکم دادگاه
Claim for an injunction

ادعا داشتن Possess a claim

ادعا راجع به اشتباه Plea of mistake

ادعا علیه Action against

ادعا علیه ..... ناکام ماند
Action against …… failed

ادعا علیه دیگری Claim against another

ادعا کردن Aver; Lay claim; Make claim

ادعا نامه (کیفر خواست) Bill of indictment

ادعاهای بی اساس و بیهوده Frivolous claims

ادعاهای پوچ Frivolous claims

ادعاهای دریایی Maritime claims

ادعاهای مربوط به مناطق پیشگام که دارای فصول مشترک هستند (در بهره برداری از اعماق)
Overlapping claims to pioneer areas

ادعاهای موجود در مورد حاکمیت
Existing claims to sovereignty

ادعای اجرت‌المثل Claim on a quantum merit

ادعای اصلی Original claim

ادعای افراطی Exaggerated claim

ادعای انکار سند Plea of non est factum

ادعای برتری ذاتی سفیدپوست Proof of the inherent superiority of the whiteman

ادعای بی اساس
Unfounded (Groundless) claim

ادعای بین المللی International claim

ادعای پرداخت وجه را کردن Claim payment

ادعای پولی Claim for money

ادعای تردیدآمیز Doubtful claim

ادعای جبران خسارت کردن Claim relief

ادعای جهل Plea of ignorance

ادعای حاکمیت Claim of sovereignty

ادعای خریدار برای اخذ خسارت
Buyer's claim for damages

ادعای خسارت Claim for damages; Claiming compensation; Sue for damages

ادعای خسارت اضافی Supplemental claim

ادعای خسارت بابت قرارداد
Express assumption

ادعای خسارت بیش از حد
Excessive damages

ادعای خسارت در اثر فسخ قرارداد
Rescissory damages

ادعای خسارت وارده Claim for the loss suffered; Injuries allegedly inflicted

ادعای خسارت یا عدم النفع بابت قرارداد
Express assumption

ادعای خسارت یا عدم النفع بابت قرارداد رسمی یا ضمنی Express special assumpsit

ادعای خسارت یا عدم النفع ناشی از لغو قراردادی یا عقدی In debitatus assumpsit

ادعای شخصی Personal claim

ادعای شفاهی Verbal assertion

ادعای قوی تر Superior claim

ادعای قویتری داشتن
Make out a superior claim

ادعای کاملاً غیر معتبر Bad claim

ادعای لفظی Verbal assertion

ادعای مالک Owner's submission

ادعای مالکیت بر اموال
Claim to own the property

ادعای مالکیت بر خلیج را کردن
Claim title to a bay

ادعای مالکین اختراع
Patent owner's submission

ادعای مبتنی بر شبه جرم خدعه و فریب
Claim in the tort of deceit

ادعای مبهم Vague claim

ادعای مبهم افراطی Vague exaggrated claim

ادعای متقابل Counter claim; Cross claim

ادعای متقابل خوانده
Defendant's counterclaim

ادعای متقابل و همسان یک طرف معامله علیه طرف دعوی درباره موضوع مورد رسیدگی
Cross claim distinguished

ادعای مربوط به دریافت خسارت
Claim for damages

ادعای مستدل تر Superior claim

ادعای مشارکت کردن Claim a contribution

ادعای مطالبه مبلغ مورد توافق
Action for an agreed sum

ادعای معارض Competing claims

ادعای معتبر Valid claim

ادعای معتبر علیه دیگری
Valid claim against another

ادعای منافع از حق ارتفاق
Claim the benefits of the servitude

ادعای واهی و دور از ذهن
Far-fetched allegation

ادعایی براساس اجرت المثل مطرح نمودن
Claim on a quantum meruit basis

ادعایی که از نظر قانون بی‌اساس است
Claim that is bad in law

ادغام Integration; Merger

ادغام با دول دیگر Merge with other states

ادغام شده Incorporated

ادغام قرارداد Integrated agreement

ادغام کردن Amalgamate

ادغام و تحولات در شرکت
Amalgamations of the company

ادغام‌های قانون‌گذاری Mergers legislation

ادله Evidence

ادله اثبات دعوی
Evidence in substantiation of claims

ادله قرارداد Evidence of the contract

اذن Permission

اذیت و آزار Mistreatment

ارائه Presentation; Representation

ارائه پیشنهاد Submission of bid

ارائه خدمت Rendering of the service

ارائه دادن اطلاعات Provide information

ارائه دادن دلیل
Advance reason; Give the evidence

ارائه دادن دلیل و مدرک به دادگاه
Give the evidence in court

ارائه دادن راه حل Grant the remedy

ارائه دادن عوض Furnish consideration; Secure consideration

ارائه دادن عوض بیش از وظیفه موجود
Furnish consideration additional to the existing duty

ارائه دادن مدارک لازم
Supply with the documentation

ارائه دادن مدرک Produce evidence

ارائه دادن منفعت/خدمت	Render benefit/service
ارائه دادن یک مزایده	Submit a bid
ارائه دهنده هشدار	Caveator
ارائه راه حل	Provide a solution
ارائه شرط از قلم افتاده	Supplying an omitted term
ارائه شونده	Representee
ارائه عملی خدمت	Actual rendering of the service
ارائه کردن	Hand down
ارائه کردن اعلام قیمت	Submit the quotation
ارائه کردن ایجاب	Make an offer
ارائه کردن خدمت	Render the service
ارائه کردن دلیل	Adduce evidence; Advance reason; Introduce evidence
ارائه کردن عوض	Furnish consideration; Give consideration; Provide consideration
ارائه کردن مدرک و دلیل مستند	Call a vital witness
ارائه کننده	Furnisher
ارائه گزارشات	Submit reports
ارائه نمودن پیشنهادات	Make bids
اراده	Animo; Intention; Will
اراده آزاد (تمایل درونی)	Free will
اراده طبقه حاکم	Will of the ruling class
اراده طرف دیگر	Judgement of the other party
اراده مستقل آزاد	Independent free will
اراده مشترک (نظریه)	Collective voluntary
اراده واقعی	Real will
ارادی	Intentional; Voluntary
ارادی بودن قرارداد	Voluntariness of contract

اراضی اشغالی	Occupied territories
اراضی محیات	Cultivated lands
اراضی موات	Waste lands
ارتباط	Relationship
ارتباط تجاری	Business connection
ارتباط خانوادگی	Family relationship
ارتباط فردی	Personal link
ارتباط مکاتبه‌ای داشتن	Attend to the correspondence
ارتباط موثق	Confidential relationship
ارتباط واقعی	Genuine link
ارتباطات	Communications
ارتداد	Apostasy
ارتش	Army
ارتش اشغالگر	Occupying army
ارتش خصوصی	Private army
ارتش دشمن	Hostile army
ارتش کادر	Standing army
ارتشاء	Bribery
ارتفاع نامحدود	Usque ad coelum
ارتفاق (حق)	Easement (Right of)
ارتکاب (جرم)	Commission; Perpetration (of a crime)
ارث	Inheritance
ارج	Superior
ارجاع	Reference; Submission
ارجاع به قرارداد	Reference to contract
ارجاع دادن	Make reference
ارجاع دادن اختلاف به	Take dispute to
ارجاع دادن به دادگاه	Put to the court
ارجحیت داشتن بر	Prevail over; Take precedence over

ارجحیت قانونی Legal predominance

اردنانس Ordnance

اردوگاه اجباری Concentration camp

اردوگاه بیگاری Concentration camp

اردوگاه نگهداری اسیران
Detention of camps; Internment camps

ارز خارجی Foreign currency

ارز مشخص شده Specified currency

ارزان Cheap

ارزش Value

ارزش اثباتی
Evidentiary value; Evidential weight

ارزش اثباتی شناسایی
Evidential value of recognition

ارزش اسنادی شناسایی
Evidential value of recognition

ارزش اقتصادی Economic value

ارزش اموال را تقلیل دادن
Diminish the value of property

ارزش ایذایی Nuisance value

ارزش ایفاء Value of performance

ارزش بازار ملک
Market value of the property

ارزش تجاری Commercial value

ارزش حال Present value

ارزش حقوقی قرارداد
Legal significance of the contract

ارزش رویه‌ای یا سابقه‌ای Precedential value

ارزش سهام Share prices

ارزش سیاسی Political weight

ارزش سیاسی داشتن Carry political weight

ارزش ظاهری Face value

ارزش غیرقابل انکار Undisputed value

ارزش فعلی Present value

ارزش قانون Worthy of law

ارزش مالیاتی Tax value

ارزش مبتنی بر ترازنامه Balance-sheet

ارزش مستعمل Trade in value

ارزش مستعمل مناسب
Appropriate trade-in value

ارزش معقول و متعارف Reasonable value

ارزش مورد توافق Agreed value

ارزش و تساوی (متناسب بودن)
Value and adequacy

ارزش واقعی True value

ارزش واقعی مال Real value of property

ارزشمند بودن Be valuable

ارزشهای اخلاقی مشترک
Common ethical values

ارزشهای نظامی Military honour

ارزهای شناور Floating currencies

ارزیاب
Appraiser; Assessor; Surveyor; Valuer

ارزیاب منتخب طرفین
Valuer appointed by the parties

ارزیابی Appraisal; Assessment; Valuation

ارزیابی ذهنی و باطنی
Subjective valuation

ارزیابی عامیانه Vulgar account

ارزیابی قراردادی Assessment contract

ارزیابی کردن Assess

ارزیابی و خسارت ناشی از انتظار
Valuation of expectation

ارزیابی هزینه های دعوی (توسط مقام قضائی)
Taxation of costs

ارسال Despatch; Transmission

ارسال امواج به طور مستقیم
Wireless transmission
ارسال کردن Despatch; Transmit
ارسال کردن اجناس Despatch goods
ارسال کردن قبولی Transmit an acceptance
ارسال کردن کالا Dispatch goods
ارسال کننده Consignor
ارسال مبیع Consignment
ارسال و قبول سفراء
Sending and receiving ambassadors
ارش Compensation; Quanti minoris
ارض (زمین) Land
ارضاء Satisfaction
ارعاب Deterring; Intimidation
ارعاب در شبه جرم Intimidation in tort
ارکان اساسی عقد
Material element of the contract
ارکان اصلی Principal organs
ارکان اصلی سازمان ملل متحد
Principal organs of the UN
ارکان سازمان ملل متحد
Organ of the United Nations
ارگان Organ
ارگان بیطرف Impartial body
ارگان تخصصی Specialized agency
ارگان خاص Particular entity
ارگان فرعی Subsidiary organ
ارگان متمرکز اجرایی
Centralized executive body
ارگان و سازمان اجتماعی Collective entity
ارگانهای اداره کننده Governing bodies
ارگانهای غیر رسمی Unofficial bodies
اروپای قاره ای Continental Europe

از ابتدا باطل ساختن Render void ab initio
از ابتدا تا انتها A priori
از اجرای توافق شانه خالی کردن
Back out of the agreement
از اجرای قرارداد امتناع ورزیدن
Refuse to perform the contract
از اجرای قرارداد صرفنظر کردن
Abandon to perform the contract
از اجرای قرارداد طفره رفتن
Get out of contract
از اجرای قرارداد قصور و تخلف کردن
Default on a contract
از ارزش کاستن Defeat the value
از اسرار تجاری آگاه بودن
Privy to trade secrets
از اصل (مثلاً در مورد صحت شرایط عقد)
Ab origine
از اعتبار افتادن Discredit
از اعتبار انداختن قرارداد
Avoid contract; Vitiate the contract
از اعتبار ساقط شدن Discard
از انجام تعهدات شانه خالی کردن
Failure to meet obligations
از انجام معامله خودداری کردن
Refuse to make a deal
از بدو امر Ab initio
از بین بردن ایجاب Bring to an end offer
از بین بردن ایجاب اولیه
Destroy the original offer
از بین بردن بی تابعیتی
Elimination of statelessness
از بین بردن تمام عوض
Eliminate the whole of the consideration
از بین بردن قدرت نظامی دشمن
Destruction of the enemy's military power

از بین بردن مسئولیت یک طرف
Exclude one party's liability

از بین بردن یا بیرون ریختن ضایعات
Waste disposal

از بین رفتن
Extinction; Fade with; Wither away

از بین رفتن ایجاب Destroy offer

از بین رفتن تمام یا بخشی از عوض
Failure of consideration

از بین رفتن حق Bar the right; Forfeit the right; Lose the right

از بین رفتن کالا Goods perishing

از بین رفتن کامل کشتی یا کالای آن
Absolute total loss

از بین رفتن موضوع قرارداد
Destroy the subject matter of contract

از بین رفته Consumed

از پاداش محروم کردن Disentile to the reward

از پرداخت اجاره خودداری کردن Withhold rent

از پرداخت خودداری کردن Withhold payment

از تاریخ Dies a quo

از تمام جوانب نگریستن (به قرارداد)
View from all four corners

از جمله Inter alia

از جنگ افتاده Hors de combat

از حق حبس برخوردار بودن Have a lien

از حکم دادن به اجرای عین تعهد خودداری کردن
Refuse specific performance

از خصیصه معقول برخوردار بودن
Satisfy the requirement of reasonableness

از درجه اعتبار ساقط شدن Discredit; Vitiate

از دست دادن آزادی که قبلاً از آن برخوردار بوده است
Surrender freedom previously enjoyed

از دست دادن امکان ایجاد سود
Loss of earning capacity

از دست دادن تابعیت Expatriation

از دست دادن حق Loss the right

از دست دادن حق ابطال قرارداد
Loss of right to avoid

از دست دادن حق اقامه دعوی
Lose right of action

از دست دادن حق فسخ
Lose right to rescission

از دست دادن حق قانونی
Give up a legal right

از دست دادن حیثیت Lose face

از دست دادن درآمد Loss of earning

از دست دادن دعوی Lose the action

از دست دادن سرزمین/ حقوق/ تکالیف طبق معاهدات
Lose territory / rights / obligations under treaties

از دست دادن مبلغ Be out of pocket

از دست دادن معامله Loss of bargain

از دست رفتن قراردادهای سودآور
Loss of lucrative contracts

از دست رفتن معامله Loss of bargain

از دست رفتن منافع Loss of profits

از دست رفتن منافع مورد انتظار
Loss of expectation

از دعوایی حمایت کردن Espousal of claims

از دیدگاه حقوق بین الملل
In the eye of international law

از رفتار استنباط کردن Imply from conduct

از رونق انداختن یک معامله Chiling a sale

از روی استحقاق قانونی Ipso jure

از روی اضطرار و فوریت امر Ex necessitate rei

از روی اکراه و اجبار Coactive

از روی انصاف و عدالت Ex aequo et bono

از روی ترس In terrorem

از روی حسن نیت Bonae fidei; Ex gratia

از روی خرید Exempto

از روی ضرورت A force; Ex necessitate

از روی قرارداد Ex contractu

از روی قصد و نیت Intentionally

از زمان امضای سند
A confectione praesentium

از زمان انعقاد قرارداد
A confectione praesentium

از زمان تکمیل عمل
At the completion of the act

از زمان شروع عمل
At the commencement of the act

از زمان فسخ و ابطال A cancellando

از زیر بار اظهار نظری طفره رفتن
Get away with representating

از سرگیری روابط حسنه Rapprochement

از شرط لزوم اعلام قبولی صرفنظر کردن Waive
the need for communication of acceptance

از شرکت قبلی اسقاط مسئولیت کردن
Discharge the old firm from liability

از شمول خارج شدن Disqualify

از طرف On behalf

از طرف خواهان On the part of the plaintiff

از طریق اشتباه Erronice

از طریق حراج فروختن Sell by auction

از طریق قانون تحمیل کردن Impose by law

از طریق قرارداد متعهد شدن
Bind oneself by contract

از طریق مداخله Through intervention

از عقد غیرمعوض دعوایی ناشی نمی‌شود
Ex nudo pacto non nascitur actio; Ex nudo pacto non oritor actio

از عملی خودداری کردن Refrain from action

از عهده بارانیات ... برآمدن
Discharge the burden of proof

از قاعده کلی عدول کردن
Derogate from the general rule

از قبل تعیین شدن Predetermine

از قرارداد شانه خالی کردن
Escape from the contract

از قرارداد طفره رفتن
Escape from the contract

از قرارداد کنار کشیدن
Withdraw from the contract

از قرارداد منتفع شدن
Take the benefit of the contract

از قرارداد ناشی شدن
Arise out of contract

از قراردادی عدول کردن
Resile from an agreement

از قضیه اطلاع داشتن Know of the facts

از کار برکنار کردن Dismiss from job

از کارخانه Ex work

از کنترل خارج شدن Get out of control

از لحاظ اجرا As performed; In performnce

از لحاظ حقوقی
For legal purposes; In the legal sense

از لحاظ شکل و ظاهر Ex facie

از لحاظ شکلی As formed; In its formation

از لحاظ شیوه اجرا As performed

از لحاظ قانونی Under a legal

از لحاظ موصوعی (ذاتی) Ratione materiae

از لحاظ نظری In theory

از مال خویش چنان استفاده کن که به دیگری صدمه نرسد
Sic utere tuo ut alienum non laedas

از متحدان خود کمک گرفتن
Obtain help from its allies

از محبوبیت افتادن Fall out of favor

از محل اسکله Ex quay

از محل تخلیه کشتی Ex ship

از محل کار Ex work

از مزایای ماده اختیاری بهره مند شدن
Enjoy the benefits of the optional clause

از مسئولیت سرباز زدن
Repudiate liability

از مسئولیت شانه خالی کردن Escape liability

از مسئولیت قراردادی مبری ساختن
Release from liability under the contract

از مصونیت برخوردار بودن
Enjoy immunity; Possess immunity

از مصونیت کامل برخوردار بودن
Possess complete immunity

از منظور اصلی قرارداد منحصرف گردیدن
Derogate from the main purpose of the contract

از موضع پرنفوذی برخوردار بودن
Be in a position of influence

از ناحیه او On his part

از نظر حقوقی
For legal purposes; In law; Technically

از نظر قانون In law; In the sense of the law

از نظر قانون بی‌اساس بودن Be bad in law

از نظر قانون غیرقابل اجرا بودن
Be unenforceable at law

از نظر قانون محکوم به شکست بودن Fail at law

از نظر قانونی In law

از نظر قانونی ناصحیح بودن Be bad in law

از نظر قراردادی Contractually

از نقض جلوگیری کردن Restraint a breach

از نقطه نظر قانون As a matter of law

از همان ابتدا Ab initio

ازاله Removal

ازاله بکارت Defloration

ازدواج Marriage

ازدواج غیرمعتبر Invalid marriage

ازدواج مصلحتی Marriage of convenience

ازدواج موقت Temporary marriage

ازدواج نادرست Invalid marriage

ازدیاد درآمد Supplement income

اسارت Enslavement

اسارت جنگی War captivity

اساس حقوقی
Legal basis; Substance of the law

اساس حکم Basis of the award

اساس قرارداد
Basis of the contract; Core of the contract; Essence of the contract; Root of the contract; Substance of the contract

اساس قرارداد را تشکیل دادن
Affect the core of the contract

اساس معامله Basis of bargain

اساس منصفانه Equitable basis

اساس یک قرارداد قانونی این است که آن مبتنی بر توافق طرفین است Essence of a legal contract is that it is based on agreement

اساساً Substantially

اساسنامه Memorandum of association; Statute; Constitution

اساسنامه سازمان بین المللی Statute

اساسنامه (شرکت) Articles of Association

اساسنامه ایمنی دریایی
Constitution of the Maritime Safety
اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری
Statute of the International Court of Justice
اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری Statute of the International Law Commission
اساسی Fundamental; Of the essence
اسامی طرفین Names of the parties
اسباب نزول (قرآن) Causes of revelation
استارت ۱ ، مذاکرات کاهش سلاحهای استراتژیک ۱
START I
استارت ۲ ، مذاکرات کاهش سلاحهای استراتژیک ۲
START II
استان Province
استاندارد ایمنی دریایی
Standards of maritime safety
استاندارد حداقل Minimum standard
استاندارد سطح زندگی Standard of living
استاندارد کردن علائم راهها و جاده ها
Standardization of road signs
استاندارد ملی National standard
استانداردهای رفتار Standards of behaviour; Standards of conduct
استانداردهای کیفیت Qualification standards
استانداردهای معقولیت
Standards of reasonableness
استانهای خارجی Overseas provinces
استبداد Tyranny
استبراء (بیرون راندن باقیمانده ادرار)
استتار Purification of Camouflage
استتار وسایل جنگی Camouflage
استثمار Exploitation

استثمار استعمارگرایانه
Colonialist exploitation
استثناء Exception; Exclusion
استثناء با عدم تنفیذ عقد
Exceptio non adimpleti contractus
استثناء بر قاعده Exception to the rule
استثناء جزئی بر قاعده اصلی
Narrow exception to the original rule
استثناء کردن مسئولیت
Exclude responsibility
استثنائات تثبیت شده
Established exceptions
استثنائات قانونی (مبتنی بر قانون موضوعه)
Statutory exceptions
استثنائی بر قاعده کلی
Exceptional to the general rule
استثنای بحث انگیز
Controversial exception
استثنای ضمنی Implied exclusion
استثنای کوچک Narrow exception
استجازه Asking for permission
استحاضه Vaginal bleeding of a woman between her regular periods
استحاله Transformation
استحباب Religious preference
استحسان (از منابع فقه اهل سنت)
Juristic preference: a discretionary opinion in breach of strict analogy
استحقاق دریافت خسارت
Entitlement to damages
استحقاق طرفین برای استرداد به محض خاتمه یافتن قرارداد Entitlement of parties to restitution on termination
استحکامات Fortifications

استحکامات نظامی
Military fortifications

استخدام Recruitment

استخدام شده برای کار معین
Employed

استخدام کننده Employer

استخدام مجدد Re-empolyment

استخراج منابع طبیعی
Exploitation of the natural resources

استدلال Argument; Juristic reasoning; Inferring one thing from another

استدلال از طریق قیاس
Argumentum per analogiam

استدلال استقرایی Inductive reasoning

استدلال صریح و روشن
Straightforward reasoning

استدلال فرعی و جنبی
Subsidiary argument

استدلال مبتنی بر عدالت Fairness argument

استدلال متقن و محکم Floodgates argument

استدلال محض Pure reason

استدلال مغایر مقصود قانونگذار
Argumentum per contrario

استدلال موجه Favourite argument

استدلالات حقوقی Legalistic arguments

استدلالات حقوقی و سیاسی
Legal and political arguments

استدلالات غیرقابل قبول
Unconvincing arguments

استراتژی Strategy

استراتژی نامطلوب Strategic disadvantage

استراتژی نظامی Military strategy

استرداد Extradition; Recovery; Restitution; Restoration; Revocation

استرداد اشیاء Return of objects

استرداد اصولاً بین کشورهایی که مرز زمینی مشترک دارند معمول است
Extradition is used principally between countries with a common land boundary

استرداد امکان‌پذیر یا مناسب نیست
Restitution not possible or appropriate

استرداد ایجاب Revocation of offer

استرداد پنهانی Disguished extradition

استرداد پول Return of money

استرداد پول پرداخت شده
Recovery of money paid

استرداد دعوی Withdrawal of a case

استرداد شناسایی Withdrawal of recognition; Withholding recognition

استرداد شناسایی زودرس
Premature withdrawal of recognition

استرداد عوض Recovery of consideration

استرداد کالا Recovery of goods

استرداد کامل Precise restitution

استرداد مال Recovery of property

استرداد متهم به کشوری که اتهام به او وارد شده است
Rendition

استرداد مجرمین
Extradition; Extradition of criminals

استرداد مخفی Disguished extradition

استرداد و اصل بزه خاص
Extradition and the principle of speciality

استرداد و اصل دوگانگی جرم Extradition and the principle of double criminality

استرداد و جرائم سیاسی
Extradition and political offenses

استرداد وجه Return of money

استصحاب Legal presumption of continuity cof the status quo in doubtful cases

استصلاح (از منابع فقه اهل سنت) Taking the public interest into account

استطاعت Ability

استعانت Seeking help

استعفاء Resignation

استعلام Enquiry

استعلام بها Request for quotation

استعلام ها Inquiries

استعلام‌ها و درخواست‌های صرف Mere enquiries or requests

استعمار Colonialism; Colonisation

استعمار زدایی Decolonization

استعمار نو Neo-colonisation

استعمارگران جدید Neo-colonialists

استعمارگرایی Colonialism

استعمارگرایی جدید Neocolonialism

استعماری Colonialization

استعمال دائمی و همشکل Constant and uniform usage

استعمال سم Use of poison

استعمال مین Use of mine

استغاثه Cry for help (to God)

استغفار Seeking God's pardon

استفاده Usage

استفاده از پرچم ملی Use of national flag

استفاده از زور Use of force

استفاده از زور برای فرونشاندن شورش Use of force to stop a riot

استفاده از زیردریایی ها Use of Submarines

استفاده از سلاحهای اتمی غیرقانونی است Use of nuclear weapons is illegal

استفاده از سلاحهای نظامی که باعث تغییر در محیط زیست می‌شوند Military use of environmental modification techniques

استفاده از شناسایی در مورد تغییر حکومتها Use of recognition in cases of changes of governments

استفاده از علامت ملی Use of coat-of-arms

استفاده از منابع جاندار Utilization of the living resources

استفاده انحصاری از فضای فوق دریای سرزمینی Exclusive enjoyment of the air space above the territorial sea

استفاده بلامعارض و بدون مزاحمت Quiet enjoyment

استفاده بین المللی بدون معارض Unchallenged international usage

استفاده شخصی Personal use

استفاده غلط و ناروا از زور Wrongful use of force

استفاده کردن Make use

استفاده کردن از Take advantage from

استفاده کردن از قرارداد در جهت نیل به هدف غیرقانونی Exploit the contract to achieve an illegal purpose

استفاده مداوم و شناخته شده Continued and well-established usage

استفاده نظامی از سلاحها برای تغییر جو Military use of environmental modification techniques

استفتاء Asking for a religious opinion; seeking legal advice

استقرار
Deployment; Restoration; Settlement
استقرار روابط دیپلماتیک
Establishment of diplomatic relations
استقرار روابط کنسولی
Establishment of consular relations
استقرار سلطه (شرط) Effectivity
استقرار صلح Restoration of peace
استقرار فشرده و متراکم (موشک ام ایکس)
Dense pack
استقرار مالکیت بوسیله اکتساب در اثر مرور زمان
Title by prescription
استقرار مجدد برخی از قواعد سنتی
Re-establishing some of the traditional rules
استقرار مجدد حکومت دمکراتیک
Restoration of democratic government
استقرار نیروها در منطقه
Station forces on the territory
استقراض مجدد Refinancing of debts
استقلال Autonomy; Independence
استقلال سیاسی Political independence
استقلال عمل Independence of action
استقلال و آزادی کامل
Complete independence and freedom
استماع دعوی Hearing (of a case)
استماع کردن دعوی Hear a case
استماع کردن شکایات Hear a complaint
استمالت Appeasement
استمرار Continuance; Continuity
استمرار اجرای قرارداد
Continuing performance of the contract
استمرار و ثبات فعالیت بازاریابی
Continuity and stability of marketing

استمناء Masturbation
استمهال Asking for a respite; Applying for a time extension
استنابه (نایب گرفتن)
Appointing a representative or deputy
استناد Invocation
استناد به Reliance on
استناد به قانون Reliance on law
استناد به مدرک خاصی
Reliance on a document
استناد کردن به حق دفاع مشروع پیشگیرانه
Invoke a right of anticipatory self-defence
استناد کردن به اشتباه Invoke mistake
استناد کردن به انصاف Plead the equity
استناد کردن به شرط Rely on the clause
استناد متعارف Reasonable reliance
استنباط
Constructive; Inference; Presumption
استنباط شرایط ضمنی
Read in implied terms
استنباط شرایط ضمنی دارای ماهیت خاص
Reading in implied terms of an ad hoc nature
استنباط قوی Strong inference
استنباط کردن از رفتار طرفی
Ascertain from the behaviour of the parties
استنباط کردن شرط Imply terms
استنباط و استنتاج قواعد کلی از قواعد جزیی
Deduce general principles from more detailed rules
استنتاج Deduce
استنجاء Cleansing after defecation
استنطاق Interrogation
استنکاف Refusal

استنکاف از احقاق حق Denial of justice

استنکاف از رسیدگی به دعاوی Refuse to hear case

استنکاف دادگاه از Court's refusal to

استوارنامه Credentials; Letter of Credence

استوپل Estoppel

استوپل به دلیل انصاف Equitable estoppel

استوپل به دلیل تعهد Promissory estoppel

استوپل ناشی از تعهد Promissory estoppel

استهلاک Depreciation

استهلاک (دین) Amortization

استیجار (اجاره کردن) Hire; Lease; Rent

استیضاح Interpellation

استیفاء Vindication; Receiving

استیفای تعهد Demanding the fulfilment of a promise

استیفای حق Vindication of right

استیفای دین Remedies for the debt

استیفای زیان و ضرر Tort action

استیلاء Conquest

استیلاء یافتن بر Gain ascendency over

استیناف (پژوهش) Appeal

استینافی Appellate

اسرار بازرگانی Trade secrets

اسرار تجاری Trade secrets

اسرار دولتی State secrets

اسراف Prodigality

اسرای جنگی Prisoners of war

اسقاط Waiver

اسقاط تعهد پس از انقضای مدت معین طبق شرایط مندرج در قرارداد Interpellation

اسقاط تعهدات Extinction of obligations; Extinguishment of obligations; Termination of obligations

اسقاط جنین Abortion

اسقاط حق Forfeiture; Waive; Waiver of the right; Waiving of a legal right

اسقاط دعوی Relinquishment of a claim; Waiving a claim

اسقاط دیون Discharge the debts

اسقاط رسمی باید باشد Release must be deed

اسقاط شرط Waiver of a condition

اسقاط کافه خیارات Waiver of all the rights / options

اسقاط کردن Waive

اسقاط متقابل Mutual release

اسقاط مصونیت Waiver of immunity

اسقاط یکجانبه Unilateral waiving

اسکار (مستی آوردن) Causing intoxication

اسکان Settling

اسکله کوتاه عمود بر ساحل Pier

اسناد Attribution; Chain of authorities of a tradition

اسناد تجاری Commercial papers; Negotiable instruments

اسناد تصویب Instruments of ratification

اسناد حاوی تعهدات و انتقالات متقابل طرفین Inter parte papers; Papers inter parte

اسناد حمل کالا Shipping documents

اسناد ضمیمه (معاهده) Annex

اسناد فروش Sales records

اسناد قابل نقل و انتقال Negotiable instruments

اسناد قانونی Statutory instruments

اسناد کشتی Ship's documents

اسناد مؤید Documents compromising

اسناد مالکیت Documents of title

اسناد مالی Financial instruments

اسناد مثبته Affirmative documents

اسناد مسافرت Travel document

اسناد موجد روابط
Instrument creating the relationships

اسناد و مدارک کشتی Ship's papers

اسیر Captive

اسیر جنگی Prisoner of war (POW)

اسیر کردن Capture

اشاره Gesture

اشاره ای گذرا کردن
Make a passing reference

اشاره صریح Express reference

اشاره مبین قصد و رضا
Sign which indicates intention and consent

اشاعه (در مالکیت) Joint ownership

اشاعه بی عفتی جنسی
Promote sexual immorality

اشاعه سلاحهای هسته ای Proliferation

اشاعه هسته ای Nuclear proliferation

اشتباه Error; Mistake

اشتباه اداری Administrative error

اشتباه از دید انصاف Mistake in equity

اشتباه از سوی طرف دریافت کننده
Mistake on the part of the receiver

اشتباه اساسی Fundamental mistake; Mistake of a fundamental

اشتباه اساسی نسبت به معامله
Fundamental mistake to the bargain

اشتباه امضاء کننده در مورد ماهیت سند
Signer's mistake as to the nature of the document

اشتباه باید اساسی باشد
Mistake must be fundamental

اشتباه بدون قصد سوء Bona fide error

اشتباه جنبی Collateral mistake

اشتباه حکمی Error in law; Mistake as to the law; Mistake of law

اشتباه حکمی دفاع محسوب نمی‌شود
Mistake of law is no defence

اشتباه خنثی کننده رضا
Mistake which nullifies consent

اشتباه در آنچه که انتظار می‌رود
Mistake as to expectations

اشتباه در انتظارات (از قرارداد)
Mistake as to expectations

اشتباه در انصاف Mistake in equity

اشتباه در ایجاب و قبول
Offer and acceptance mistake

اشتباه در برآورد حکم قاضی
Mistake of judgment

اشتباه در بیان یا انتقال مطلب
Error in expression or transmission

اشتباه در پیش نویس سند
Mistake in drafting

اشتباه در تنظیم سند کتبی که ادله قرارداد است
Mistake in preparation of the written document evidencing the contract

اشتباه در تنظیم سند نوشته مستند قرارداد
Mistake in preparation of the written document evidencing the contract

اشتباه در دادرسی و ارزیابی (نظر دادن)
Error in judgment; Mistake of judgment

اشتباه در شخص Mistake in the person

اشتباه در شخصیت Mistake in identity

اشتباه در قضاوت Error of judgement

اشتباه در کیفیت شیء موضوع قرارداد Mistake as to quality of thing contracted for

اشتباه در کیفیت موضوع معامله Mistake as to the quality of the subject-matter

اشتباه در کامن لا Mistake at common law

اشتباه در مورد امکان اجرا
Error as to the possibility of performance

اشتباه در مورد انتظارات
Error as to expectations

اشتباه در مورد حقوق شخصی یا قانون خارجی اشتباه موضوعی تلقی می شود نه حکمی
Mistake of private rights or of foreign law is treated as a mistake of fact and not of law

اشتباه در مورد شخص
Mistake as to the person

اشتباه در مورد مالکیت
Mistake as to the title

اشتباه در مورد ماهیت مورد اجاره
Mistake as to the nature of the tenancy

اشتباه در مورد موضوع اساسی
Mistake as to material fact

اشتباه در مورد موضوع اساسی قرارداد
Mistake as to the essential subject-matter of the contract

اشتباه در مورد موضوع قرارداد
Mistake as to the subject matter

اشتباه در مورد میزان اعتبار مشتری
Mistake as to customers credit-worthiness

اشتباه در مورد وجود موضوع قرارداد
Error as to the existance of the subject matter of the contract

اشتباه در مورد وصف و کیفیت شئ موضوع قرارداد
Mistake as to the quality of the thing contracted for

اشتباه در مورد هویت طرف قرارداد
Mistake of identity

اشتباه در مورد هویت موضوع مورد معامله
Error as to the identity of the subject matter; Mistake as to the identity of the subject-matter

اشتباه در وصف مورد معامله
Mistake as to quality of thing contracted for

اشتباه درباره سمت
Mistake as to the capacity

اشتباه دو جانبه Mutual mistake

اشتباه دو جانبه در مورد موضوع اساسی
Bilateral mistake as to material fact

اشتباه دو طرفه Mutual mistake

اشتباه ذهنی Subjective mistake

اشتباه راجع به اسناد
Mistake relating to documents

اشتباه راجع به انصاف Mistake in equity

اشتباه راجع به قانون، حق به اجرا گذاردن قرارداد را به طرف بی‌گناه نمی‌دهد
Mistake of law does not give the innocent party to enforce the contract

اشتباه راجع به کیفیت
Mistake as to quality

اشتباه راجع به ماهیت سند
Mistake as to the nature of the document

اشتباه راجع به موضوع قرارداد
Mistake with regard to the subject matter of the contract

اشتباه راجع به هویت Mistake as to identity

اشتباه رضایت را از بین می‌برد
Mistake nullifies consent

اشتباه رضایت را منتفی می‌سازد
Mistake negatives consent

اشتباه ریشه‌ای Radical mistake

اشتباه طرفین مانع حصول توافق می‌شود
Mistake prevents the parties from reaching agreement

اشتباه عام
Common mistake

اشتباه غیرمشابه
Non identical mistake

اشتباه فاحش
Faux pas; Serious mistake; Upward error

اشتباه فرعی
Collateral mistake

اشتباه کننده (در قرارداد)
Mistaken party (in a contract)

اشتباه کاری
Effective mistake

اشتباه کردن
Engineer mistake

اشتباه مؤثر
Effective mistake; Fundamental mistake; Operative mistake; Relevant mistake

اشتباه مؤثر دو جانبه
Operative mutual mistake

اشتباه مؤثر یکجانبه
Operative unilateral mistake

اشتباه مبطل عقد
Operative mistake

اشتباه متقابل
Mutual mistake

اشتباه مشابه
Identical mistake

اشتباه مشابه یا مشترک در انصاف
Identical or common mistake in equity

اشتباه مشترک
Common mistake

اشتباه مشترک در مورد وجود موضوع عقد
Common mistake as to existence of subject-matter

اشتباه مشترک اشتباهی است که هر دو طرف مرتکب آن شده‌اند
Common mistake is a mistake shared by both parties to the contract

اشتباه موضوعی
Mistake of fact

اشتباه موضوعی دفاع محسوب می‌شود
Mistake of fact is a good defence

اشتباه موضوعی دوجانبه
Bilateral mistake of fact; Mutual mistake of fact

اشتباه موضوعی یکجانبه
Unilateral mistake of fact

اشتباه نامؤثر در مورد وصف شئ موضوع قرارداد
Inoperative mistake of quality

اشتباه نامتعارف
Unreasonable mistake

اشتباه نسبت به موضوع قرارداد (توافق)
Mistake as to the subject-matter of the agreement

اشتباه نقی کننده رضا
Mistake which negatives consent

اشتباه واحد
Same mistake

اشتباه یکجانبه
Unilateral mistake

اشتباه یکجانبه در مورد موضوع اساسی
Unilateral mistake as to material fact

اشتباه یکسانی را مرتکب شدن
Make the same mistake

اشتباهات دستوری یا لغوی سند را بی‌اعتبار نمی‌سازد
Grammatica falsa non vitiat chartam

اشتباهات متقابل
Cross errors

اشتباهی که قرارداد را باطل می‌کند
Mistake which render the contract void

اشتباهی که قابل انتظار بود
Mistake as to expectations

اشتباهی که موجب تضییع حق یک طرف شود
Prejudicial error

اشتراء (خریدن)
Purchase

اشتراط (شرط گذاشتن)
Putting a condition; Stipulation

اشتراک (در جرم)
Participation

اشتراک (در مالکیت)
Joint ownership

اشتغال
Employment

اشتغال بعدی مستخدم
Subsequent occupation of the employee

اشتغال ذمه Indebtedness

اشتغال مضاعف Doublement fonctionnel

اشتقاقی Derivative

اشتهار Fame; Renown

اشخاص بدون تابعیت حق رأی ندارند
Stateless persons have no voting rights

اشخاص بی تابعیت Stateless persons

اشخاص بی‌تابعیت غالباً از انجام بسیاری از مشاغل و مناصب محروم و اغلب‌مشمول‌اخراج از کشور می‌شوند
Stateless are frequently excluded from many types of work and are often liable to deportation

اشخاص بی‌سواد Illiterate persons

اشخاص ثالث Third parties; Third persons

اشخاص ثالث ذینفع Third party beneficiaries

اشخاص حقوقی Corporations; Legal entity

اشخاص حقیقی
Individuals; Natural persons

اشخاص درگیر در مذاکرات قراردادی
Parties negotiating for a contract

اشخاص دیوانه Insane persons

اشخاص عاقل Sane persons

اشخاص غیرمجاز Unlicensed persons

اشخاص فاقد تابعیت Stateless persons

اشخاص قابل استرداد Extraditable persons

اشخاص کمتر از ۱۸ سال
Persons below the age of 18

اشخاص مختل المشاعر
Persons of unsound mind

اشخاص مست
Drunkards; Intoxicated persons

اشخاص منعقد کننده قرارداد
Persons entering a contract

اشخاص موجود Existing individuals

اشخاصی غیر از طرفین قرارداد Persons other than the parties to the contract

اشرار مسلح Armed rebels

اشغال Occupation

اشغال تجاوزگرانه Belligerent occupation

اشغال جنگی War occupation

اشغال خارجیان Alien occupation

اشغال خصمانه
Belligerent occupation; Hostile occupation

اشغال فاتحانه Occupation-conquest

اشغال قراردادی Conventional occupation

اشغال کامل Full employment

اشغال کردن کشور Penetrate into state

اشغال کننده زمین بدون اجازه Squatter

اشغال مؤثر Effective occupation

اشغال محل تجاری Occupation of business premises

اشغال نظامی Military occupation

اشغالگر متخاصم Belligerent occupant

اشغالی (اراضی) Occupied territory

اشکال مناسب اقدام جبرانی
Proper forms of cure

اشیای نظامی Military objects

اشیای ارزشمند Valuables

اشیای غیرنظامی Civilian objects

اصالت قدرت تصمیم گیری
Original power of decision

اصالت اراده Free will

اصالت جمع Collectivism

اصالت قدرت در سیاست Power politics

اصالتاً In one's own right

اصاله الجواز Principle of permissibility

اصاله الصحه Presumption of lawfulness; Principle of validity

اصاله اللزوم (اصل لازم بودن قراردادها) Presumption of irrevocability

اصحاب دعوی Claimants; Disputants; Litigants

اصطلاح Expression; Term

اصطلاح شرط Term condition

اصطلاحات حقوقی Legal terms (expressions)

اصطلاحات فنی Technical terms

اصل Article; Origin; Principle; Root

اصل آزادی قرارداد Principle of freedom of contract

اصل اختصاصی بودن Specialty principle

اصل ارسال Dispatch principle

اصل اعلام متقابل Principles of reciprocity

اصل اکثریت آراء Majoritarianism

اصل الزام آور بودن تعهد Pacta sunt servanda

اصل انتخاب Election principle

اصل انتظار منطقی Reasonable expectation doctrine

اصل انصاف Equity

اصل انعکاس آئینه وار Mirror image rule

اصل بازگرداندن اوضاع و احوال به حالت سابق Restitutio ad integrum

اصل بدون عوض ، قراردادی وجود ندارد No consideration, no contract principle

اصل بدهی Principal debt

اصل بر برائت است (در امور جزایی) Everybody is presumed innocent

اصل بر برائت است (در امور مدنی) Everybody is presumed free of any obligation

اصل بر صحت و اعتبار معاهده است مگر اینکه یک دولت ادعای بی اعتباری آن را بنماید Treaty is valid until a state claims that it is invalid

اصل برائت (در امور جزایی) Presumption of innocence

اصل برائت (در امور مدنی) Presumption of clearance

اصل برابری حاکمیت کلیه اعضای سازمان Principle of the sovereign equality of all members

اصل برابری در الزامات Mutuality of obligation

اصل برابری کشورها Sovereign equality of states

اصل برون مرزی بودن Extraterritoriality

اصل بزه خاص Principle of speciality

اصل بعید بودن خسارت Remoteness of damage principle

اصل بقاء صحیح قرارداد Faver contractus

اصل تابعیت Nationality principle

اصل تبادل Reciprocity

اصل تجانس Principle of continguity

اصل تداوم سفر Doctrine of continuous voyage

اصل تداوم کشورها Continuity of states

اصل تساوی فواصل Principle of equidistance

اصل تسلیط Absolute legal authority of the owner to exercise dominion or control over property

اصل تعهد متقابل Mutuality of obligation

اصل تفکیک قوا Principle of separation of powers

اصل تقابل در ترمیم و اصلاح Mutuality of remedy

اصل تقابل در زمینه تعهدات Mutuality of obligation

اصل تقلیل Mitigation principle

اصل تنظیم عادلانه
Equitable adjustment theory

اصل جامعیت Universality principle

اصل جهان شمولی Universality principle

اصل جهانی بودن Universality principle

اصل حاکمیت کشور
Principle of state sovereignty

اصل حفاظتی Protective principle

اصل حفظ اموال به شکل اولیه Uti possidetis

اصل حقوقی Legal principle

اصل حکومت پارلمانی Parliamentarism

اصل حکومت مطلقه Absolutism

اصل حمایتی Protective principle

اصل خاص بودن جرم Principle of speciality

اصل خاک (در تابعیت) Jus soli

اصل خط متساوی الفاصله
Equidistance principle

اصل خط منصف (نیمساز) یا متساوی الفاصله
Equidistance principle; Principle of equidistance

اصل خون (در تابعیت) Jus sanguifiis

اصل دور بودن خسارت
Remoteness of damage principle

اصل دوگانگی جرم
Double criminality; Principle of double criminality

اصل ربوس Rebus sic stantibus

اصل رضایت Principle of consent

اصل رعایت انتظار عقلایی
Reasonable expectation doctrine

اصل سرزمینی Territorial principle

اصل سرزمینی بودن Territoriality principle

اصل سرزمینی فاعلی
Subjective territorial principle

اصل سرزمینی هدف یا مفعول
Objective territorial principle

اصل سکوت Silence principle

اصل سند Original document

اصل سوء نیت Bad faith principle

اصل شخصیت ایستا
Passive personality principle

اصل شخصیت راکد یا غیر فعال (در مورد استرداد)
Passive personality principle

اصل شخصیت مفعولی
Passive personality principle

اصل صحت Faver contractus; Omnia praesamuntur rite ac sollemniter esse acta

اصل صلاحیت تکمیلی
Principle of complementarity

اصل صلاحیت شخصی Nationality principle

اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت متهم
Nationality principle

اصل عدالت Principles of justice

اصل عدم مداخله در امور داخلی
Principles of non – intervention in matters of domestic

اصل عطف بماسبق نشدن قوانین
Non = retroactivity ratione personae

اصل غلط Erroneous principle

اصل فاصله برابر Equidistance principle

اصل قانونی بودن جرم و مجازات No crime or punishment except in accordance with the law: Nulla Poena Sine Lege

اصل قداست قرارداد
Pacta sunct servanda; The Principle of sanctity of contract; Sanctity of contracts

اصل قطعیت Cestui que principle

اصل کلی مشابه Equivalent general principle

اصل لرد کرنز Lord cairns's principle (cairns)

اصل لزوم وفای به عهد Pacta sunt servanda

اصل متقابل Principles of reciprocity

اصل مجاورت Principle of continguity

اصل مجرمیت در هر دو طرف
Principle of double criminality

اصل مجرمیت دوگانه
Double criminality principle

اصل مربوط به انصاف Equitable principle

اصل مربوط به مجاورت و یکپارچگی جغرافیایی
Principles of geographical continguity

اصل مسئولیت افراد
Principles of individual liability

اصل مشترک Single unifying principle

اصل مصونیت حاکمه
Principle of sovereign immunity

اصل مصونیت دولت
Principles of sovereign immunity

اصل مقرر Principle laid down

اصل ملیت (تابعیت) Nationality principle

اصل ممنوعیت انکار بعد از اقرار Estoppel

اصل ممنوعیت یک طرف به علت غرور طرف مقابل
Estoppel

اصل منصفانه Equitable principle

اصل منصفانه بزرگ
Master equitable principle

اصل مورد خاص Principle of speciality

اصل موسع Wide principle

اصل نسبی بودن قرارداد (قرارداد تنها بر طرفین آن اثر می‌گذارد) Privity of contract principle; Res inter alias acta aliis neque nocere neque prodesse potest: An agreement can only bind the Parties; it can neither impose obligations upon other people, nor confer rights upon them

اصل نسبیت قراردادها Privity of contract

اصل نفوذ و مؤثر بودن Principle of effective

اصل وجود ارتباط واقعی (بین کشتی و دولت صاحب پرچم) Genuine link principle

اصل وصول Receipt principle

اصل وفای به عهد Pacta sunt servanda

اصل وفای به قراردادها Pacta sunt servanda

اصل همزیستی مسالمت آمیز
Principle of peaceful coexistence

اصلاح Amend; Amendment; Conciliation;Modify; Modification; Rectification; Verification

اصلاح (مجرم و ...)
Reforming; Rehabilitation

اصلاح با اکثریت آراء
Amendment by majority vote

اصلاح بعدی قرارداد
Subsequent modification of contract

اصلاح قرارداد Modification of contract

اصلاح قرارداد از قبل موجود Modification of an already existing contracts

اصلاح قراردادهای موجود
Modification of existing contracts

اصلاح کردن Rectify

اصلاح کردن سند Rectify the instrument

اصلاح مسالمت آمیز Peaceful adjustment

اصلاح مطلوب Favourable amendment

اصلاح معاهدات بواسطه رویه بعدی Modification of treaties by subsequent practice

اصلاح مواد یک قرارداد
Alteration of contract

اصلاح نظام ملل متحد
United Nations reform

اصلاحات ارضی Land reforms

اصلاحاتی که ماهیت قبول را تغییر نمی‌دهند
Modifications which do not alter the nature of the acceptance

اصلاحیه Amendment

اصلاحیه صریح Express amendment

اصلاحیه کانلی Connally Amendment

اصلاحیه هیکنلوپر
Hickenlooper Amendment

اصلی Fundamental

اصلی که قضات بیطرف و مستقل می‌باشند
Principles that judges are impartial and independent

اصول Principles

اصول اثبات گرایی Tenets of positivism

اصول اخلاقی پزشکی Medical ethics

اصول ارائه شده توسط دیوان
Principles laid down by the court

اصول اساسی Constitutional principles

اصول اساسی حقوق Basic principles of law

اصول اولیه متعارض
Conflicting first principles

اصول بنیادین
Fundamental principles; Normatives laws

اصول بنیادین حقوق اساسی
Basic principles of constitutional law

اصول تنظیم شده از سوی ...
Principles laid down by …

اصول جانشینی خودبخود مرزها
Principles of automatic succession to boundaries

اصول جهانی Universal principles

اصول حقوق بین الملل (از آثار هانس کلسن)
Principles of International Law

اصول حقوقی Principles of law

اصول راهنما Guiding principles

اصول رایج و ناشی شده از سیستم حقوقی
Principles drawn from the legal system

اصول رقیب Competing principles

اصول عدالت و حقوق بین الملل
Principles of justice and international law

اصول عقلیه Rational Principles

اصول عمومی پذیرفته شده حقوق بین الملل
Jus cogens

اصول عمومی حقوق
General principles of law

اصول عمومی حقوق بین الملل
General principles of international law

اصول عمومی حقوق داخلی
General principles of national law

اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است.
General principles of law recognised by civilized Nations

اصول عمومی قراردادها
General principle of the contracts

اصول فقه
Principles of Islamic jurisprudence

اصول کدخدامنشانه Ex aequo et bono

اصول کلی Broad principles

اصول کلی حقوقی
General principles of law

اصول کلی حقوقی شناخته شده توسط ملل متمدن
General principles of law recognized by civilized nations

اصول کلی اساسی و بنیادی
Underlying general principles

اصول گرایی Fundamentalism

اصول لازم الاجرای حقوق بین الملل
Peremptory norms of international law

اصول لازم الرعایه عمومی حقوق (اصول آمره)
Jus Cogens

اصول مبانی Underlying principles

اصول مبتنی بر سلسله مراتب
Hierarchy norms

اصول محاکمات جزایی (آئین دادرسی کیفری)
Principles of Criminal Procedure

اصول محاکمات مدنی (آئین دادرسی مدنی)
Principles of Civil Litigation

اصول موسع و گسترده عدالت
Broad principles of fairness

اصول و ضوابط لازم الرعایه حقوق بین الملل
Jus cogens

اصولی (عالم علم اصول) Legist

اصیل Sui juris; Suo iure

اصیل (در دعوی و ....) Principal

اصیل خارجی مکتوم
Undisclosed foreign principal

اصیل فاش نشده Undisclosed principal

اصیل و نماینده Principal and agent

اضافه پرداخت Premium

اضافه سود Excess profits

اضرار Causing loss

اضطرار
Constraint; Districtio; Exigence; Necessity

اضطراری
Coactive; Compulsive; Compulsory

اطاعت از قانون Law abiding; Obey the law

اطاعت از قواعد بین المللی
Observance of international norms

اطاعت از قوانین جنگ
Obey of the laws of war

اطاعت داوطلبانه Voluntary compliance

اطاعت کورکورانه Bind obedience

اطاله تنش و تشنجات بین المللی
Prolongation of international tension

اطلاع Awareness

اطلاع از وجود پاداش Learning of the reward

اطلاع دادن قضیه به پلیس Notify police

اطلاع داشتن از Have notice of

اطلاع شایسته معقول
Reasonably sufficient notice

اطلاع فروشنده از فقدان مطابقت
Seller's knowledge of lack of conformity

اطلاع قبلی (برای عبور بی ضرر از دریای سرزمینی)
Prior notification

اطلاع کتبی صریح
Express notice in writing

اطلاع مفروض Constructive knowledge

اطلاع موثق Reliable information

اطلاع و آگاهی فرضی
Constructive knowledge

اطلاعات Information

اطلاعات اعتمادی و اعتباری
Confidential information

اطلاعات افشاء شده در جریان مذاکرات
Information imparted during the negotiations

اطلاعات بیشتر Further information

اطلاعات صحیح Correct information

اطلاعات قابل اطمینان Reliable information

اطلاعات مبتنی بر سلسله مراتب
Hierarchic obedience
اطلاعات محرمانه Security information
اطلاعات معتبر Valid information
اطلاعات نادرست Disinformation
اطلاعیه Letter of advice
اطلاعیه انجام معامله Advice of deal
اطلاعیه ها Circulars
اطمینان Assurance
اطمینان شفاهی Oral assurance
اطمینان کردن به ایجاب Rely upon an offer
اطمینان مضر Detrimental reliance
اطمینان منطقی Reasonable certainty
اظهار Assertion; Dictum; Representation
اظهار اساسی و مهم Material representation
اظهار ایجاب دهنده
Manifestation by the offeror
اظهار باید اساسی باشد
Representation must be material
اظهار باید بدون ابهام باشد
Representation must be unambiguous
اظهار باید یک امر واقعی حال یا گذاشته باشد
Statement must be of a present or past fact
اظهار به عمل آوردن
Make the representation
اظهار بی‌پروا Reckless
اظهار تمایل به انعقاد قرارداد
Statement of willingness to contract
اظهار توضیحی و اظهار از روی مزاح و شوخی
Commentary and joking statement
اظهار حقائق راجع به کالا Disclosure
اظهار حقیقت موجود
Statement of existing fact

اظهار خلاف واقع
False representation; False statement; Untrue statement
اظهار خلاف واقع سهل انگارانه
Negligent misrepresentation
اظهار خلاف واقع غیرعمدی
Innocent misrepresentation
اظهار خلاف واقع غیرمقصرانه
Innocent misrepresentation
اظهار دروغ و نادرست False statement
اظهار دقیق Precise statement
اظهار دلال Dealer representation
اظهار دین Note of indebtedness
اظهار راجع به حقایق موجود
Representation of existing fact
اظهار راجع به واقعیت Statement of fact
اظهار راجع به یک فعل یا نیت آتی
Statement of future conduct or intention
اظهار رضایت Manifestation of assent
اظهار روشن و غیرمبهم
Unambiguous representation
اظهار شفاهی Oral statement
اظهار شونده Representee
اظهار صادقانه Honest representation
اظهار صورت گرفته به شوخی
Statement made in jest
اظهار عقاید منصفانه Candid observations
اظهار عقیده Expression of opinion
اظهار غیر قراردادی
Non contractual representation
اظهار غیر مبهم Unambiguous statement; Unimportant representation
اظهار غیر واقعی Untrue statement

اظهار فاقد مبنای منطقی Representation without any reasonable foundation

اظهار قراردادی Contractual representation

اظهار قصد Manifestation of intent; Statement of intention

اظهار کذب False representation; false statement; Fraudulent representation

اظهار کردن Make a statement; Make the representation

اظهار کنندگان فروشنده یا دلال Dealer representors

اظهار کننده Representor

اظهار مالک در مورد Landlord's representation about

اظهار متقابل طرفین Mutual expression by the parties

اظهار متقلبانه Fraudulent statement

اظهار مثبت Positive statement

اظهار مطرح شده توسط ... Statement made by …

اظهار مطلبی بصورت منفی Negative avertment

اظهار موضوعی Statement of fact

اظهار نادرست Erroneous statement

اظهار نادرست در مورد یک موضوع اساسی حال یا گذشته False statement as to a present or past material fact

اظهار نادرست در مورد یک واقعیت خاص موجود False statement of some specific existing fact

اظهار نادرست مسامحه کارانه در حقوق عرف Negligent misstatement at common law

اظهار نادرست وقایع False statement of facts

اظهار ناشی از بی احتیاطی Careless statement

اظهار نسبت به آینده Statement as to the future

اظهار نیمه واقعی Half-truth statement

اظهار و بیان قصد ارائه نیست Statement of intention is not a representation

اظهار و تضمین Statement and warranty

اظهار واقع و غیر مبهم Clear and unambiguous statement

اظهار واقعی True representation

اظهار واقعی قبلی Previously true statement

اظهار واقعیت Representation of fact; Statement of fact

اظهارات Dicta; Quotations

اظهارات پیش قراردادی Pre-contractual representations

اظهارات تملق آمیز Commendatory representations

اظهارات جزیی Partial representations

اظهارات جنبی Obiter dicta

اظهارات دادگاه Court's remarks

اظهارات در برگیرنده نیمی از حقیقت Half-truth statement

اظهارات راجع به قانون Statement of law

اظهارات شفاهی Oral representations

اظهارات صریح Explicit statements

اظهارات قبل از ایجاب Statements made prior to offer

اظهارات قبلی Previous statements

اظهارات قضایی Judicial statements

اظهارات کتبی Written representations

اظهارات گمراه کننده Misleading representation; Misleading statements

اظهارات مطبوعاتی Press statements

اظهارات مقدم و اولیه برای رسیدن به ایجاب
Statements made prior to offer

اظهارات مکتوب Written representations

اظهارات منتهی به ایجاب
Statements leading up to offer

اظهارات مندرج در
Statements appearing in

اظهارات نادرست مسامحه کارانه
Negligent misstatement

اظهاراتی که به صورت مکتوب ارائه می شوند
Statements reduced to writing

اظهاراتی که مکتوب می‌شوند
Statement reduced to writing

اظهارکننده
Maker of the statement; Representer

اظهارنامه Declaration; Legal notice; Official notification

اظهارنامه صحیح قانونی
Proper statutory notice

اظهارنامه قبول تعهد Letter of commitment

اظهارنظر Expression of opinion; Statement of opinion

اظهارنظر تحریریه Editorial comment

اظهارنظر در مورد قانون Statement of law

اظهارنظر قضایی Dictum

اعائه Subscription

اعاده Reimburse; Restitution; Restore

اعاده اعتبار (تاجر ورشکسته) Rehabilitation

اعاده به وضع سابق Restitutio in integrum

اعاده حیثیت (مجرم) Rehabilitation

اعاده دادرسی Re-hearing; Re – trial

اعاده قانون و نظم
Restoration of law and order

اعاده وضع قبلی زیان دیده
Restitution in integrum

اعاده وضعیت قراردادی اول
Contractual position

اعتبار Authority; Credit; Validity

اعتبار ادعا Validity of the claim

اعتبار اسنادی Documentary credit

اعتبار اعمال و اقدامات Validity of acts

اعتبار اقساطی Installment credit

اعتبار اکتساب سرزمین
Validity of an acquisition of territory

اعتبار بخشیدن (تصدیق صحت متن معاهده)
Authentication

اعتبار بخشیدن به یک معاهده
Give effect to a treaty

اعتبار تحصیل قلمرو از طریق فتح Validity of acquisition of territory by conquest

اعتبار توافق صرف
Validity of mere agreement

اعتبار جهانی Universal validity

اعتبار خطوط مبدأ Validity of baselines

اعتبار دادن Authenticate

اعتبار سند Authenticity of a document

اعتبار ضمانت نامه Validity of guarantee

اعتبار قرارداد Currency of the contract; Validity of contract

اعتبار قضیه محکوم بها (اعتبار امر مختومه)
Res judicata pro veritate accipitur

اعتبار قواعد عرض
Validity of customary law

اعتبار گرفتن Give credit

اعتبار مالکیت Validity of title

اعتبار ماهوی Substantive validity

اعتبار معاهدات اجباری
Validity of coerced treaties

اعتبارات اسنادی
Letters of credit

اعتبارات تجاری بانکداران
Bankers' commercial credits

اعتبارات تجاری برگشت ناپذیر و تأیید شده بانکداران
Bankers' confirmed irrevocable commercial credits

اعتبارات مقرر
Stand-by credits

اعتبارات نظامی
Military credits

اعتبارنامه
Letter of credit

اعتبارنامه (استوارنامه)
Letter of credence

اعتبارنامه بانکی قابل رجوع
Revocable letter of credit

اعتبارنامه غیر قابل فسخ
Irrevocable letter of credit

اعتبارنامه قابل فسخ
Revocable letter of credit

اعتبارنامه های بانکی
Letters of credit

اعتبارنامه های بانکی غیرقابل عدول
Irrevocable letters of credit

اعتباری
Constructive

اعتداء
Attack; Oppression

اعتراض
Challenge; Objection; Protest

اعتراض اولیه
Preliminary objection

اعتراض به وضعیت آپارتمان
Protest against the state of the flats

اعتراض در مرحله مقدماتی
Preliminary objection

اعتراض دیپلماتیک
Diplomatic protest

اعتراض شکلی
Preliminary objection

اعتراض کردن
Make objection

اعتراض کردن به صلاحیت دادگاه
Challenge the jurisdiction of the court

اعتراض مقدماتی
Preliminary objection

اعتراضات مختلف
Various pleas

اعتراف
Acknowledgement; Confession

اعتراف صریح
Express acknowledgement

اعتراف کردن به تعهدی
Recognize an obligation

اعتصاب
Strike

اعتصاب پستی
Postal strike

اعتصاب کننده
Striker

اعتقاد
Opinion

اعتقاد به الزامی بودن رویه
Opinio juris

اعتقاد حقوقی
Opinio juris

اعتقاد حقوقی یا اعتقاد به الزام
Opinio juris sive necessitate

اعتقاد صادقانه
Bona fide belief; Honest belief

اعتقاد عمومی
Popular beliefs

اعتقاد غیرحقوقی
Opinio non juris

اعتقاد منطقی
Logical conviction

اعتقاد یا باور
Belief

اعتقادات روانی دولتها
States' psychological convictions

اعتکاف
Withdrawal from society

اعتلاء
Promote

اعتماد
Reliance

اعتماد به قول
Reliance on promise

اعتماد به نفس
Self reliance

اعتماد توجیه پذیر
Justifiable reliance

اعتماد در تجارت
Commercial certainty

اعتماد زیان بخش
Detrimental reliance

اعتماد کردن بر
Act in reliance on

اعتماد موجه
Justifiable reliance

اعتیاد Addiction

اعتیاد به مواد مخدر Drug addiction

اعدام (مجازات) Capital punishment; Death penalty; Execution

اعدام کردن Put to death

اعدام های گروهی Mass executions

اعراض Abandonment; Waiver; Withdrawal

اعراض (از حق) Waiver

اعراض (از مال) Abandonment

اعراض از جنگ (تحریم جنگ) Renounciation of war

اعراض از حق Waiver of the right

اعراض از مصونیت Waiver of immunity

اعراض کردن Waive

اعراض کردن از حق قانونی Give up a legal right

اعراف Purgatory

اعزام و پذیرش سفراء Sending and receiving ambassadors

اعزام به میهن Reptriation

اعزام سرباز به قلمرو دولتی بدون رضایت حکومت آن تجاوز محسوب می‌شود Send troops to the territory of a state without the consent of the government of that states is invasion

اعسار Insolvency

اعضاء Staff

اعضای پست کنسولی Members of the consular post

اعضای جدید الاستقلال Newly independent members

اعضای خانواده که هم منزل می‌باشند Members of family forming part of the household

اعضای خانه Members of household

اعضای خدمه ناو خارجی از تعقیب قضایی دولت ساحلی بخاطر جرائم ارتکابی در کشتی مصون هستند Members of the crew are immune from prosecution by the coastal state for crimes committed on board

اعضای دائمی شورای امنیت Permanent members of the Security Council

اعضای رأی دهنده Members voting

اعضای سفیدپوست جامعه مشترک المنافع White members of the commonwealth

اعضای کمیسیون Commission's members

اعضای گروههای چریکی Members of militia

اعضای مؤسس سازمان ملل Founding members of the United Nations

اعضای نمایندگی Members of the mission

اعطاء Vesting

اعطاء کردن Award

اعطاء کردن اختیارات Confer powers

اعطاء کردن استقلال Grant independence

اعطاء کردن امتیاز به Grant concession to

اعطاء کردن تابعیت Grant naturalization

اعطاء کردن جبران خسارت Afford relief

اعطاء کردن حقوق به اشخاص Give rights to individuals

اعطاء کردن قدرت واقعی Entrust real power

اعطاء کردن مالکیت Confer title

اعطاء کردن مصونیت کامل Grant full immunity

اعطاء کردن وضعیت ممتاز به خارجیان Give aliens a privileged position

اعطاء کردن منفعت به Confer a benefit on

اعطاء کردن منفعت به طلبکار
Confer a benefit upon creditor

اعطای اختیار Empower

اعطای اختیار فروش زمین
Grant of an option for the sale of land

اعطای اختیار کردن Give authority

اعطای استقلال به یک مستعمره
Granting independence to a colony

اعطای امتیاز Yieldance

اعطای امتیاز ساخت فرودگاه
Airport concession

اعطای جبران خسارت Giving of relief

اعطای حق رأی به خارجیان
Give voting rights to foreigners

اعطای سود و منفعت Confer of benefit

اعطای صلاحیت به محاکم بین‌المللی
Conferring jurisdiction on international courts

اعطای فایده به Confer a benefit on

اعطای کمک مالی
Giving financial assistance

اعطای کمک های خارجی به شورشیان
Give foreign help to the insurgents

اعطای مجوز Grant of permission

اعطای مجوز بهره برداری
Grant licence for expolitation

اعطای منافع به موجب قرارداد
Conferring of benefits in a contract

اعطای منفعت Conferment of benefit

اعطای یک منفعت قانونی
Conferment of a legal benefit

اعلام Acknowledgement; Announcement; Declaration

اعلام از طریق تلکس Telex communication

اعلام استرداد
Communication of revocation

اعلام استقلال
Declaration of independence

اعلام استقلال یکجانبه
Unilateral declaration independence

اعلام اعراض کردن Grant waiver

اعلام انتقال Notified of assignment

اعلام انجام معامله با دست دادن Hand shaker

اعلام تحفظ Make reservation

اعلام جنگ Declaration of war

اعلام جنگ بصورت رسمی
Formal declaration of war

اعلام جنگ به صورت مشروط
Conditional declaration of war

اعلام جنگ کردن Declare war

اعلام ختم عضویت Denunciation

اعلام ختم معامله Closing statement

اعلام رسمی جنگ
Formal declaration of war

اعلام رضایت نسبت به یک ایجاب
Indication of assent to an offer

اعلام رضایت یک کشور
Express the consent of a state

اعلام سریع Summary execation

اعلام شناسایی
Announcement of recognition

اعلام صریح Clear indication

اعلام صریح (شناسایی)
Express announcement

اعلام صریح و به موقع قبولی Definite and reasonable expression of acceptance

اعلام عملی Actual communication

اعلام عیب Notice of the defect

اعلام غیرضروری
Non-instantaneous communication
اعلام غیرمستقیم Indirect notice
اعلام غیرهمزمان یا غیرآنی
Non-instantaneous communication
اعلام فسخ یک جانبه (معاهده) Denunciation
اعلام قبول باید عملاً توسط موجب دریافت شود .
Communication of acceptance must be actually received by the offeror
اعلام قبولی
Communication of acceptance
اعلام قبولی بوسیله تلگراف
Communications of acceptance by cable
اعلام قصد Declaration of intention
اعلام قیمت Quotation
اعلام کتبی
Notice in writing; Written communication
اعلام کردن به مقامات
Notify the authorities
اعلام کردن موافقت Express agreement
اعلام کناره گیری یا انصراف یک طرف از معاهده
Denunciation or withdrawal of a party from treaty
اعلام کننده
Declaratory; Sender of the quotation
اعلام موضوعی ضمنی Implied statement of fact
اعلام ناتوانی در ایفاء تعهدات Under hammer
اعلام واقعی Actual communication
اعلام وصول Letter of acknowledgement
اعلام همزمان و فوری
Instantaneous communication
اعلام یکطرفه Unilateral declaration
اعلامی Communiqué; Declarative
اعلامیه Declaration; Proclamation

اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر
American Declaration of Rights and Duties of Man
اعلامیه اصول حقوق بین الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان کشورها (۱۹۷۰)
Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation among Stales (1970)
اعلامیه اصولی Declaration of Principles
اعلامیه ایقاعی Unilateral declaration
اعلامیه برای اطلاع دریانوردان Notice to mariner
اعلامیه برای فروشنده Sold note
اعلامیه پاریس Declaration of Paris
اعلامیه جنگ Declaration of war
اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)
Universal Declaration of Human Rights (1948)
اعلامیه حقوق اتباع امریکایی
United States Bill of Rights
اعلامیه حقوق اتباع انگلیس
English Bill of Rights
اعلامیه خرید Bought note
اعلامیه سازمان ملل متحد درباره از بین بردن کلیه انواع تبعیض نژادی
UN Declaration on Elimination of All Forms of Racial Discrimination
اعلام سازمان ملل متحد درباره اعطای استقلال به مستعمرات UN Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples
اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی UN Declaration Permanent Sovereignty over Natural Resources
اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۹)
Declaration of St. Petersburg (1869)

اعلامیه صریح Express statement

اعلامیه فرانسوی حقوق بشر
French Declaration of the Rights of Man

اعلامیه کذب False statement

اعلامیه کنفرانس استکهلم سازمان ملل درباره محیط زیست انسان (۱۹۷۲) Declaration of the United Natioas Stockholm Conference on the Human Environment (1972)

اعلامیه کتبی Notice in writing

اعلامیه لاهه درباره پخش شونده ها (گلوله ها) (۱۸۹۹)
Hague Declaration on Projectiles (1899)

اعلامیه لندن Declaration of London

اعلامیه مشروط Conditional declaration

اعلامیه مورد نظر Requisite statement

اعلامیه نهایی Final Act

اعلامیه‌ها Circulars

اعلامیه های فروش Sales literature

اعلامیه های مطبوعاتی Press releases

اعلامیه یکجانبه Unilateral declaration

اعلامیه یکجانبه استقلال UDI= Unilateral Declaration of Independence

اعلان Enunciate

اعلان (استقلال) Proclamation

اعلان جنگ
Decision of war; Declaration of war

اعلان کردن Make a statement

اعلان مثبت Positive declaration

اعماق دریاها Depths of the seas

اعماق کف دریاها Deep seabed

اَعمال Acts

اِعمال Application; Enforce

اعمال اجباری مجازاتها
Imposing mandatory sanctions

اعمال اجرایی/ قانون گذاری/ قضایی کشور
State’s executive / legislative / judicial acts

اعمال اختیارات انتظامی
Exercise of disciplinary powers

اعمال استاندارد ملی
Application national standard

اعمال اشخاص خصوصی
Acts of private individuals

اعمال بازدارنده Preventative actions

اعمال تجاری Acts jure gestionis

اعمال تجلی افکار پنهان هستند
Acta exteriora indicant interiora secreta

اعمال تصدی Jure gestions

اعمال تصدی (غیر حاکمیتی) دولت
Non-Sovereign acts

اعمال تلافی جویانه Reprisals

اعمال تلافی جویانه در جنگ
Reprisals in war

اعمال تلافی جویانه مسلحانه Armed reprisals

اعمال جریمه Impose a penalty

اعمال جنایتکارانه Criminal act (actions)

اعمال جنگی War actions

اعمال حاکمه Act of state; Jure imperii

اعمال حاکمیت بر روی یک سرزمین خاص بطور مشترک
Exercise sovereignty jointly over a certain territory

اعمال حاکمیت بلامعارض Prescription

اعمال حق، زور و ....
Exercising a right, force etc.

اعمال حق عبور Exercise a right of way

اعمال حق فسخ Apply for rescission

اعمال حق قانونی Exercise of a legal right

اعمال حق مشروع و قانونی که به دولت تعلق دارد
Enforce any type of legal right belonging to a state

اعمال حق منفردانه دفاع مشروع
Exercise a right of individual self-defence

اعمال حقوق
Enforce rights; Exercise of rights

اعمال حقوق خارجی
Application of foreign law

اعمال حکومتی
Acts jure imperii; Governmental acts

اعمال خائنانه Treacherous act

اعمال خشونت بار Damaging acts

اعمال درایت معقول
Use of reasonable diligence

اعمال دقت Duty of care

اعمال دول خارجی Acts of foreign states

اعمال دولتی Acts of government

اعمال رهبران Acts of leaders

اعمال شخص مبین قصد درونی اوست
Acta exteriora indicant interiora secreta

اعمال شدن Apply to

اعمال شدن قانون Control law

اعمال صلاحیت Exercise of jurisdiction

اعمال صلاحیت کردن Exercise jurisdiction

اعمال صلاحیت منصفانه
Exercising equitable jurisdiction

اعمال ظالمانه Cruelty

اعمال عادی ایجاب و قبول Routine application of the offer and acceptance

اعمال عرف تجاری غیرمتعارف
Application of usage unreasonable

اعمال عملی حقوق حاکمه
Actual exercise of sovereign rights

اعمال غیرقانونی Illegal acts

اعمال فشار Exert pressure

اعمال فشار بر نماینده
Coercion of a representative

اعمال فشار غیرقانونی
Application of illegitimate pressure

اعمال فشار ناروا Exerting wrongful pressure; Exertion of improper pressure

اعمال فنی بی‌روح و نارضایت بخش قواعد
Unsatisfactory mechanical application of the rules

اعمال قابل انتساب Imputable acts

اعمال قاعده Application of a rule

اعمال قاعده اقدام متقابل توسط طرفین
Application of the parties of reciprocity

اعمال قاعده ای که بر عهده قوه مجریه است
Enforcement of the rule is left to the executive

اعمال قانون Operation of law

اعمال قانون موجود
Application of the existing law

اعمال کردن Assert

اعمال کردن حاکمیت کامل بر روی سرزمین
Exercise full sovereignty over the territory

اعمال کردن حق شرط Apply the reservation

اعمال کردن قانون Apply the law

اعمال کردن قانون خارجی Apply foreign law

اعمال کلامی Verbal acts

اعمال کنترل Exercise control

اعمال کردن حق براساس ...
Exercise discretion under .....

اعمال کردن عدالت Do justice

اعمال کردن فشار ناروا
Apply unfair pressure; Exert improper pressure

اعمال مبتنی بر انتخاب Selective application

اعمال محدودیت Enforcement of restriction

اعمال مربوط به معاملات قبلی
Prior course of dealings

اعمال مطابق با تائید
Actions consistent with ratification

اعمال مقررات معاهده
Application of the provisions of the treaty

اعمال ناشی از قرارداد یا مسئولیت‌های ناشی از قرارداد
Ex contractu

اعمال ناشی از قوه قاهره و خارج از کنترل بشر
Dieu son acte

اعمال نفوذ Exerting an influence

اعمال نفوذ ناروا Undue influence

اعمال نفوذ ناروا در عمل
Actual undue influence

اعمال نفوذ ناروای مفروض
Presumed undue influence

اعمال نفوذ ناروای مفروض انگاشته شده
Presumed undue influence

اعمال نفوذ ناروای واقعی یا عملی
Actual undue influence

اعمال و اجرا Enforcement

اعمال و اجرای اقدامات قهری
Application of enforcement measures

اعمال و اجرای قوانین
Application of the laws

اعمال واقع شده Acts occurring

اعمال وظایف Exercise of functions

اعمال یکجانبه Unilateral acts

اعمالی که مخل آسایش عمومی جامعه‌اند Actions that endanger the welfare of society

اعمام (عموها) Paternal uncles

اعیان Substances

اعیان و عرصه Premises and the land

اغتشاش Disturbance; Riot; Turmoil

اغماض Renunciation; Tolerate

اغواء Inducement; Seduction

اغواء کردن طرف ایجاب Cheat the offeree

اغواء کردن طرف دیگر به انعقاد قرارداد Induce the other party to enter into the contract

اغواء نمودن خواهان Induce the plaintiff

افاده معنی Suggesting a meaning

افاقه Improvement in health

افت داشتن Take fall

افت سریع معاملات Bust

افتراء Defamation

افترای شفاهی Slander

افترای کتبی Libel

افترای لفظی Slander

افراد Individuals

افراد انسانی Individuals; Natural persons

افراد به عنوان تابعان حقوق بین الملل
Individuals as subjects of international law

افراد تحت توقیف Internment persons

افراد تحت حمایت Protected persons

افراد تخطی کننده Individuals tresspassing

افراد حق در خواست پناهندگی را ندارند
Individual has no right to demand asylum

افراد خاطی Guilty men

افراد ذیربط Persons concerned

افراد ذینفع در قرارداد
Privies in respect to contract

افراد غیر نظامی Civilian persons

افراد مجرم و جانی Guilty men

افراد مست Drunkards

افراد و گروههای اجتماعی مختلف
Divergent individuals and social groups

افراز
Division or delimitation of property

افراط
Extravagance; Excessive use

افزایش
Increase

افزایش ارزش پول
Revaluation

افزایش بسیار زیاد هزینه ها
Greatly increased costs

افزایش بهاء
Advance in price

افزایش بهای مورد تعهد
Increase the cost of performance

افزایش حق بیمه
Increase the premium

افزایش دادن اجاره بهاء
Raise the rent

افزایش طبیعی خاک
Accretion

افزایش قابل ملاحظه ای در قیمت
Marked increase in cost

افزایش قیمت
Price increase

افزایش مالیات
Increase in taxation

افزایش وابستگی متقابل جهانی
Increased global interdependence

افزایش هزینه
Increased cost

افزایش هزینه اجرای تعهدات
Increase the cost of performance

افزودن شرط
Add a provisio

افسانه تهدید هسته‌ای
Nuclear threat myth

افسر ذخیره
Reserve officer

افشا
Betrayal; Disclosure

افشا کردن
Disclose

افشا گری
Disclosure

افشا و بازگو نمودن عیوب و نواقص موجود در کالا
Disclose defects in goods

افشای صریح و صادقانه حقایق (در معاملات)
Frand and honest disclosure

افشای کامل حقایق
Full disclosure

افشای کامل و بی پرده مطالب
Full and frank disclosure

افشای کامل و صادقانه
Full and honest disclosure

افشای مدارک (موجود نزدیک یک طرف دعوی برای طرف مقابل)
Discovery of documents

افضاء (از جمله عیوب زن که موجب حق فسخ نکاح برای شوهر می شود)
Connection of the vaginal and anal passages

افعال و اقوال طرفین
Statements and conduct of the parties

افکار داخلی
Domestic opinion

افکار عمومی جهانی
World opinion

افلاس
Insolvency; Indigence

اقارب
Relatives

اقارب پدری
Agnates; Paternal relatives

اقارب سببی
Persons related to another by marriage

اقارب مادری
Maternal relatives

اقارب سببی
Persons related to another by parentage or descent

اقاله
Cancel; Cancellation; Cancellation of a contract by mutual consent; Cancellatura; Termination of contract by mutual consent

اقاله کردن معامله
Cancellation of bargain

اقامت
Residing; Staying

اقامت دائمی
Permanent home

اقامت طولانی
Long residence

اقامت طولانی متهم در قلمرو دولت اعمال کننده صلاحیت
Long residence by the accused in the state exercising jurisdiction

اقامتگاه
Domicile

اقامتگاه انتخابی Domicile of choice

اقامتگاه دیپلمات Resident of a diplomat

اقامتگاه رئیس پست کنسولی
Residence of the head consular post

اقامتگاه قانونی Legal domicile

اقامتگاه مبداء Domicile of origin

اقامتگاه منتخب طرفین قرارداد ازلحاظ امور مربوط به قرارداد آنها Elected domicile

اقامه (ارائه کردن) Producing; Raising

اقامه دعوی Bringing an action; Initiating proceedings; Sue; Suit

اقامه دعوی ابطال Action for rescission

اقامه دعوی بابت اجرت المثل
Action on a quantum meruit

اقامه دعوی بخاطر نقض قرارداد
Action for breach of contract; Cause of action for breach of contract

اقامه دعوی بر اساس اجرت المثل
Sue on a quantum meruit

اقامه دعوی بر مبنای تعهد Sue on promise

اقامه دعوی برای ایفاء عین قرارداد
Action for specific performance

اقامه دعوی برای جبران زیان وارده
Action for damages

اقامه دعوی برای دریافت خسارات
Action for damages; Sue for damages

اقامه‌دعوی‌برای‌دریافت خسارات ناشی از نقض قرارداد
Action for damages for breach of contract

اقامه دعوی برای قرار منع
Action for an injunction

اقامه دعوی برای مطالبه مبلغ مورد توافق
Action for an agreed sum

اقامه دعوی بوسیله خواهان
Action by the plaintiff

اقامه دعوی بین المللی
Presentation of an international claims

اقامه دعوی جهت اجرای عین تعهد
Action for specific performance

اقامه دعوی حقوقی Take legal action

اقامه دعوی حقوقی کردن
Begin legal action; Bring legal action

اقامه دعوی در مورد قراردادهای رسمی
Action on specialty contract

اقامه دعوی در مورد قراردادهای ساده یا غیر رسمی
Action on simple contract

اقامه دعوی عدم امکان Plead frustration

اقامه دعوی فسخ
Bring an action for rescission

اقامه دعوی کردن Begin legal action; Bring a claim; Bring proceeding; Bring suit; Lay action; Proceed against; Pursue an action; Raise the plea; Sue; Take action; Take proceedings

اقامه دعوی کردن از جانب تبعه متضرر Make a claim on behalf of an injured national

اقامه دعوی نقض قرارداد
Action for breach of contract

اقامه کردن دعاوی نزد دیوان دادگستری جوامع اروپایی
Bring claims before the court of justice of the European communities

اقامه کردن دلیل Produce evidence

اقامه کردن ادعایی علیه ...
Pursue a claim against …

اقامه کردن دفاع Raise the defence

اقامه کننده دعوای موهوم برای کلاشی
Champertor

اقباض Delivering; Handing over

اقتباس قواعد حقوقی
Adaptation of legal norms

اقتدار Authority

اقتدار مؤثر Effective authority

اقتصاد بازار Market economy

اقتصاد فرا صنعتی Post industrial economy

اقتصاد نیروی تعیین کننده در جامعه است (نظریه مارکسیست)
Economic of determining force in society

اقدام Acting; Proceeding

اقدام برای تجزیه دولت مستقل
Action to dismember an independent state

اقدام بعدی Future action

اقدام به اجرای بخشی از تعهد
Part performance of promise

اقدام به افزایش اجاره بها کردن
Take step to increase the rent

اقدام به برگزاری کنفرانس کردن
Conven a conference

اقدام به تعقیب قضایی نمودن
Institute prosecutions

اقدام به دادن ایجاب متقابل کردن
Make a counter offer

اقدام به فسخ (اجاره) کردن Enforce forfeiture

اقدام به مصادره Act of expropriation

اقدام بین المللی International action

اقدام پیشنهادی Proposed action

اقدام تبعیض آمیز Discriminatory action

اقدام تجاری Enterprise

اقدام تجاوزکارانه Aggressive action

اقدام تدافعی Defensive action

اقدام تلافی جویانه Reprisal

اقدام تلافی جویانه شکلی از تلافی علیه عمل غیرقانونی قبلی است
Reprisals is a form of retaliation against the prior illegal act

اقدام تلافی جویانه ویژه Special reprisal

اقدام تهاجمی
Act of aggression; Offensive action

اقدام جبرانی در مورد ایفاء ناقص
Cure of defective performance

اقدام جنگی Warlike action

اقدام خودسرانه و مستبدانه
Proceeding arbitrarily

اقدام در رابطه با تهدیدات علیه صلح
Action with respect to threats to the peace

اقدام دولتی Governmental action

اقدام سریع و مؤثر
Prompt and effective action

اقدام علیه اجرا به عمل آوردن
Resist enforcement

اقدام غیردوستانه Unfriendly act

اقدام غیرمسئولانه Irresponsible action

اقدام قانونی Act of law

اقدام کردن
Deal with; Take action; Undertake

اقدام کردن به نفع خود Act in one's favor

اقدام کردن کودک بعنوان نماینده والدین
Act infant as the agent of the parent

اقدام مؤسسات منطقه‌ای
Action by regional agencies

اقدام متخذه یا تجویز شده توسط سازمان ملل متحد
Action taken or authorized by the U.N.

اقدام مجدد برای ایفاء تعهد
Resumed performance

اقدام مسلحانه Armed action

اقدام منصفانه Actio utilis

اقدام منظم نیروهای مسلح
Action by regular armed forces

اقدام موقتی Interim measure

اقدام ناقص Defective execution

اقدام همگانی Action popularis

اقدامات A course of action

اقدامات اجرایی Enforcement action

اقدامات امداد رسانی Relife actions

اقدامات اولیه Preparatory steps

اقدامات بازدارنده Repressive measures

اقدامات براساس معامله متقابل
Retorsionary measures

اقدامات بی ادبانه Rude acts

اقدامات تأمینی Precautionary measures; Provisional arrangements

اقدامات تأمینیه (که توسط مدیر تصفیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته بعمل می‌آید)
Security measures

اقدامات تجاوزکارانه Acts of aggression

اقدامات تدافعی Defensive measures

اقدامات تروریستی Acts of terrorism

اقدامات تلافی جویانه
Reprisal acts; Reprisals

اقدامات تلافی جویانه (انتقام) یک اثر بازدارنده دارد
Reprisals have a detterent effect

اقدامات تلافی جویانه بایستی متناسب با خطا اصلی باشد
Reprisals must be aproportionate to the original wrong

اقدامات تلافی جویانه علیه افراد و اموال
Reprisals against person and properties

اقدامات جدایی طلبانه Secessionist activites

اقدامات جمعی Collective measures

اقدامات حفاظتی موقت
Interim measures of protecetion

اقدامات حکومتی Governmental acts

اقدامات حمایتی از صلح
Peace support measures

اقدامات خشونت آمیز
Illegal acts of violence

اقدامات در معنای مجرد
Enforcement action stricto sensu

اقدامات دسته جمعی Collective measures

اقدامات دسته جمعی مؤثر
Effective collective measures

اقدامات دولت Actions of state

اقدامات سازمانهای بین المللی
Acts of international organizations

اقدامات سازنده Constructive measures

اقدامات سخت Hazardous course of action

اقدامات شخص خصوصی
Acts of private individuals

اقدامات طرف (قرارداد) Party's actions

اقدامات غیرقانونی Illegal acts

اقدامات غیرمطمئن
Uncertain course of action

اقدامات فوری Immediate steps

اقدامات قانونی Legal proceeding

اقدامات قهری
Coercive measures; Enforcement action; Enforcement measures

اقدامات قهری در معنا خاص
Enforcement action stricto sensu

اقدامات قهری کمتر از جنگ
Coercive measures short of war

اقدامات کنگره (آمریکا) Congressional acts

اقدامات لازم Necessary measures

اقدامات متعارض را به عمل آوردن
Take reasonable steps

اقدامات متعارف Reasonable steps

اقدامات مشروط Provisional measures

اقدامات مقابله به مثل یا تلافی جویانه Reprisals

اقدامات مقدماتی
Travaux preparatoires; Preparatory work
اقدامات منطقه ای Regional actions
اقدامات مورد بحث Acts in question
اقدامات موقت
Provisional measures; Interim measures; Provisional measures
اقدامات موقت حفاظتی
Interim measures of protection
اقدامات نامناسب Improper activities
اقدامات نزدیک به جنگ
Measures short of war
اقدامات نظامی Police action
اقدامات نیروهای حافظ صلح
Peace-keeping actions
اقدامات و اعمال مخاطره آمیز
Acts prejudicial
اقدامات یکجانبه Unilateral acts
اقداماتی که رفاه جامعه را به مخاطره می اندازد
Actions that endanger the welfare of society
اقدامی از سوی فروشنده برای واداشتن خریدار برای پرداخت قیمت یا انجام تعهدی که در قرارداد خرید درج شده است Actio venditi
اقرار Acknowledgement; Confession
اقرار البنوت
Acknowledgement of paternity
اقرار به بدهی Acknowledgement of debt
اقرار در خارج دادگاه
Extrajudicial confession
اقرار در دادگاه Judicial confession
اقرار مشروط Conditional confession
اقرار مقید (معلق) Qualified confession
اقرارنامه Letter of admission

اقربا Relatives
اقساط مربوطه Due instalments
اقلیت Minority
اقلیت های نژادی Racial minorities
اقناع کردن دادگاه Convince the court
اقناع کنندگی Convincingness
اقیانوس شناسی Oceangraphy
اقیانوسی Mid-ocean archipelagos
اکتساب Acquisition
اکتساب اموال Acquisition of property
اکتساب تابعیت Naturalization
اکتساب حاکمیت بر روی سرزمین
Acquisition of sovereignty over territory
اکتساب سرزمین Acquisition of territory
اکتساب کالا توسط شخص ثالث
Acquisition of goods by third party
اکتساب مالکیت بر یک سرزمین
Acquisition of title to territory
اکتساب مورد ادعا Alleged acquisition
اکتشاف Discovery; Explore
اکتشاف به عنوان ابزاری برای تحصیل قلمرو
Discovery as means of acquisition of territory
اکتشاف همراه با اشغال
Discovery followed by occupation
اکثریت Majority
اکثریت آراء Majority vote
اکثریت قابل ملاحظه
Overwhelming majorities
اکثریت قاطع Overwhelming majority
اکثریت قریب به اتفاق
Overwhelming majorities
اکثریت گرایی Majoritarianism

اکثریت مطلق Absolute majority

اکثریت مطلق آراء Absolute majority of vote

اکثریت نسبی Relative majority

اکراه Duress; Durities

اکراه اقتصادی Economic duress

اکراه راجع به اموال Duress of goods

اکراه کشور Reluctance of state

اکراه ملجی Coercive duress

اکل مال بباطل Consuming the property (of others) for no good reason; Consumption of property in vanity

اکراه کننده Duressor

اکراه موجب عدم نفوذ معامله است
Duress will make a contract unenforceable

اکراه ناشی از تدلیس Durities per minas

اکراه نسبت به شخص Duress to person

اکراه و تهدید مالی Duress of goods

اکراه وارده به شخص Duress to person

اکردیته (غیرمقیم) Accreditated

اگر اتفاق بیفتد Si contingat

اگر دستهایش آلوده باشد
If he hands arenot clean

اگر کالا نرسد فروش در کار نیست
No arrival , no sale

البینه علی المدعی
Affirmanti non neganti incumbit probatio; Burden of proof rests with Claimant

التزام Assumption; Being bound over; Commitment; Engagement; Obligation; Pledge; Undertaking

التزام (به عهده گرفتن) Undertaking

التزام (تعهد) Commitment; Obligation

التزام به انجام کاری با پرداخت چیزی به دیگری
Assumpsit

التزام پرداخت دیون
Assumption of indebtedness

التزام تخییری Alternative obligation

التزام تعاقدی
Contractual obligation; Nexum

التزام ثانوی احتمال خطر
Secondary assumption of risk

التزام دادن
Be bound over; Give an undertaking

التزام قانونی Legally binding

التزام مدنی Civil obligation

التزام مشروط Express assumpsit

التزام نامه Recognizance

التزام و تعهد در قبال Bound by

التزامی Promissory

الحاد Atheism

الحاق Accession; Adherence; Adhesion; Annexation; Integration

الحاق اصلاحی در یک سند
Insertion of a correction of document

الحاق به سازمان بین المللی
Joint international organization

الحاق به سازمان فراملی
Join a supernational organization

الحاق تاریخ غلط و جعلی
Incorporating false date

الحاق سرزمین Annexation of territory

الحاق همان اثرات امضاء و تصویب را دارد
Accession has the same effects as signature and ratification

الحاقیه (به قرارداد ، قانون و .....) Addendum

الزام Charge; Commitment; Constraint; Obligation; Obligement; Obstriction

الزام آور Binding; Bounden; Obligatory

الزام آور از نظر شرافتی Binding in honour

الزام آور برای صغیر Binding on the minor

الزام آور بودن
Obligatory; Remain binding

الزام آور بودن از نظر قانون Be binding in law

الزام آور تلقی کردن Treat binding

الزام آور ساختن توافقات
Make agreements binding

الزام آور کردن یک تعهد
Make a promise binding

الزام اخلاقی Binding in honour

الزام به ایفاء تعهد Right to performance

الزام به رعایت سوابق قضایی Stare decisis

الزام تعهدات شفاهی Dictum meum pactum; My word is my bond

الزام تلویحی Implied assumpsit

الزام قانونی
Ex necessitae legis; Legal obligation

الزام مدنی Civil obligation

الزاماً Compulsorily

الزامات حقوقی Requirements of the law

الزامات قراردادی Stipulatory obligations

الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شود
Obligations incurred without a contract

الزامی Compulsative; Compulsatory; Compulsory; Obligatory

الزامی محسوب شدن Make obligatory

الصاق کردن آگهی
Display the advertisement

الضرورات تبیح المحظورات
Necessitas non habet legem; Necessity Knows no law

الغاء Abrogation; Annul; Annulment; Cancellation; Defeasance; Dissolve; Rescind

الغاء شده Cancelled

الغاء کردن Cancel

الغای انجام شده Purported revocation

الغای تعهد Extinguishment

الغای حق دولتها برای محاکمه اتباع دشمن بخاطر جرائم جنگی Abolition of a states' right to try enemy nationals for war crimes

الغای حق وتو Abolition of the veto

الغای کار اجباری
Elimination of forced labour

الغای متقابل ادعا Mutual waiver of claim

الغای مورد نظر Purported revocation

الغای هدف غیرقانونی
Repudiation of the illegal purpose

الفاظ عقود Wording of contracts

الفاظ عقود محمول است بر معنی عرفیه
Words in contracts

الفاظ قوی و صریح Strong and clear words

الفاظ معمول است بر معنای عرفیه
Words are presumed to be used in their ordinary meaning

القاء اثربخش ایجاب
Effective revocation of offer

القاء شبهه Misrepresentation

القاء شبهه راجع به محتویات
Misrepresentation related to the contents

القاء شبهه غیرمتقلبانه
Innocent misrepresentation

القاء شبهه متقلبانه
Fraudulent misrepresentation

الگو Model

الگوهای نیروهای هسته‌ای
Nuclear forces models

المثنی Duplicate

المسلمون عند شروطهم
Muslims are bound by their stipulations

الناس مسلطون علی اموالهم
People have full control and dominion over their property

الولد للفراش
The child belongs to the marriage bed (Presumption of legitimacy)

الوهیت
Divinity

الهام
Inspiration

الهام بخش
Inspiration

الهام گرفتن
Draw upon

الی الابد
For good; For ever

ام ولد
Female slave with a child from her master

اماره
Circumstantial evidence; Presumption

اماره ثباتی
Evidential factor

اماره فراش
Presumption of legitimacy

اماره قابل رد
Rebuttable presumption

اماره قاطع
Conclusive presumption

اماره قانونی
Legal circumstantial evidence;

اماره قضائی
Judicial circumstantial evidence;

اماره یا فرض قانونی یا قضایی
Assumption

اماکن
Premises

اماکن بی دفاع
Defenseless places; Non-defended localities

اماکن تحت محاصره
Places under siege

اماکن دیپلماتیک
Diplomatic premises

اماکن شرکت
Company's premises

اماکن محاصره شده
Surrounded places

اماکن کنسولی
Consular premises

اماکن نمایندگی
Premises of the mission

امان
Pledge of security; Quarter; Temporary safe conduct

امان نامه
Safe-conduct

امانت
Trust

امانت (صفت امانت در شخص)
Trustworthiness

امانت دار
Bailee

امانت گذار
Bailor; Depositor

امانی
Fiduciary

امت
Muslim Community

امتداد
Prolongation

امتناع
Refusal; Refuse; Waiver

امتناع از اجرای بیشتر قرارداد
Refusal of further performance

امتناع از اجرای تعهدات
Inficiari

امتناع از اظهار حقایق اساسی
Failure to disclose material facts

امتناع از انجام عملی توسط کسی که قانوناً مجاز به
Disaffirmance

امتناع از انجام آن است
Abstain from voting

امتناع از دادن رأی

امتناع کردن از اجرای رأی داوری
Refuse to carry out the arbitral award

امتیاز
Concession

امتیاز اعطا شده
Vested right

امتیاز دادن
Make a concession

امتیاز زاید
Excessive advantage

امتیاز ناموجه
Unjustifiable advantage

امتیازات
Concessions; Privileges

امتیازات انعطاف پذیر
Soft rights

امتیازات دیپلماتیک
Diplomatic privileges

امتیازات رسمی
Oil concessions

امتیازات معدنکاری
Mining rights

امداد خصمانه
Hostile assistance

امداد متقابل (مشترک) Mutual assistance
امر Command; Order
امر بد Bad thing
امر به معروف Calling People to goodness
امر تفسیری Question of construction
امر جزیی Trivial matter
امر حکمی Question of law
امر شکلی Question of law
امر مافوق Superior order
امر ماهوی Question of fact
امر مختومه Adjudicated case; Res judicata
امر موضوعی Question of fact
امر واهی و تخیلی Fiction
امری تجریدی Something of an abstraction
امری که برخلاف تعهدات می‌باشد
امضاء (تصدیق) Contralegatio; Signature Ratification
امضاء کردن سند Sign a document
امضاء کردن قرارداد بدون خواندن آن
Sign a contract without reading it
امضاء کردن قرارداد مصالحه و سازش
Enter into compromise agreement
امضاء کردن معاهده واگذاری
Sign a treaty of cession
امضاء کننده Signatory; Signer
امضاء و تصویب از روشهای غالب اعلام رضایت است
Signature and ratification are the most frequent means of expressing consent
امضای ضمانت نامه
Signing of the guarantee
امضای فعلی قرارداد
امضای قرارداد Affirmation of contract Completion of contract
امضای قرارداد پیوستن به اتحادیه های کارگری
Contract in
امضای لازم Signature requirement
امضای مجاز Authorized signature
امضای معاهده Signing treaty
امضای موقت Initialling
امکان استفاده از قوه قهریه
Possibility of using force
امکان تجدید احیاء (ساختمان)
Redevelopment potential
امکان تملک اجباری
Possibility of compulsory acquisition
امکان حل و فصل سیاسی
Change of political settlement
امکان توافق آزادانه
Possibility freely to agree
امکان دسترسی به منابع عرضه کالا
Availability of source of supply
امکان مطالبه خسارت
Recoverability of damages
امکان معقول Reasonable opportunity
امن Safe
امنیت Security
امنیت جمعی Collective security
امنیت دولت Security of the state
امنیت شغلی Security of tenure
امنیت متقابل Mutual – security
امنیت ملی National security
امنیت نظامی Military security
اموال Asset(s); Property
اموال تحت پوشش بیمه نامه
Property covered by the policy
اموال خارجیان Foreign owned property
اموال خصوصی Private property

اموال دشمن Enemy property

اموال دولتی
Property of the state; State property

اموال شخصی
Private estate; Private property

اموال عمومی Public property

اموال غارت شده Loot

اموال غیر را برای اجرای تعهدی به وثیقه گذاشتن و حفظ آن تا زمان اجرای تعهد Distrain

اموال غیر منقول Immovable property;
Real estate; Real property

اموال فرهنگی Cultural property

اموال کنسولی
Property of the consular post

اموال متعلق به خارجیان
Foreign owned property

اموال مسروقه
Loot; Res furtivae; Stolen goods

اموال مصادره شده Expropriated property

اموال مفقود یا سرقت شده
Articles lost or stolen

اموال ملی شده Property nationalized

اموال منقول
Movable property; Personality

امور اجتماعی Social matters

امور اداری Administrative matters

امور تجاری Commercial matters

امور حسبی Non-Litigious matters

امور داخلی
Domestic affairs; Internal affairs

امور کیفری Criminal cases

امور مدنی Civil cases

امور مربوط به سیاست خارجی
Matters of foreign policy

امور مربوط به قوه قاهره و خارج از کنترل بشر
Acts of God

اموری که داحل در تعهدات و معاملات نمی باشد
Affairs was not involved in contracts and transactions

امه (کنیز) Female slave

امهات (اصول) Fundamentals

امهال (مهلت دادن) Giving a respite

امی (در ارث) Uterine uteline

امین Bailee; Custodian;
Depositary; Fiduciary; Person in a position of trust; Trustee; Trustworthy

امین شخص ثالث Trust for the third party

امین و منتفع از عقد تراست
Trustee and beneficiary

اناث Females

اناطه
Relating one judicial decision to another;

انبار ارتش Military depot

انباشت Stockpiling

انتحار (خودکشی) Suicide

انتخاب آزاد Free elections

انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت
Election of non-permanent members of the Security

انتخاب افراد تحت امر
Selection of subordinates

انتخاب رده های دوم
Selection of subordinates

انتخاب قضات Choose judges

انتخاب کردن Make a choice

انتخاب کردن داور Select arbitrator

انتخاب واقعی Real choice